

سمت گیری ضد امپریالیستی سیاست خارجی ایران دشمنان انقلاب را به وحشت و خشم انداخته است

یورش خشم آگینی از بلندگو- های تبلیغاتی و نشریات ضد - انقلاب، علیه سمت گیری های مثبت اخیر در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آغاز شده است. رادیوهای مزدوران امپریالیسم آمریکا، نشریات مائوئیستهای ضد انقلابی و لیبرالهای پیرو خط برژینسکی، همه و همه از تحولات اخیر ناشاد و خشمگین اند.

یک فرد علاقمند به سرنوشت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، با دیدن این جار و جنجال تحریک آمیز و ضد انقلابی، که منابع کاملاً مشکوک و «محک خورده ای» برپا کرده اند، بیشک نتیجه خواهد گرفت که: سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به راه درستی گام نهاده است. در واقع نیز چنین است. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پس از ۱۸ ماه که لیبرالهای سازشکار آنرا به وادی هسا و ورطه های خطرناک کشانند، از دوستان و متحدانش جدا و به دشمنان توطئه گرش «فسزدیک» ساختند، کوشیدند تا جمهوری اسلامی ایران را از چپه نیروهای ضد امپریالیست دور کنند و آنرا تنها و بی یار و یاور در مقابل چپه مشترک امپریالیستی و وابستگان آن، رها سازند، تلاش کردند آنرا «متزوی» کنند، تا امکان نابودیش را فراهم نمایند، اینک «دنیای جدید»، دنیای قدرتمند ضد امپریالیست را شناخته و جای خود را در کنار کشورهای چون لیبی، سوریه، الجزایر، یمن دمکراتیک و سازمان آزادی بخش فلسطین، که آنها نیز علیه امپریالیسم، بسرکردگی آمریکا، و وابستگان آن می- رزمند، یافته است. چنین سیاست خارجی درستی امکان پیروزی توطئه های امپریالیسم آمریکارا بشدت کاهش میدهد و درست بهین دلیل هم مزدوران و هواداران سازش با آنرا چنین به وحشت و خشم انداخته است. ایران انقلابی، اگر دیروز به همت لیبرالها تنها بود و درهم شکستن

بخش هایی از ارتفاعات منطقه مرزی مهران، از تسلط مزدوران صدام خارج شد

جبهه آبادان صبح پیرروز (جمعه) در اثر آتش موثر توپخانه خودی، آتش دشمن خاموش و تعدادی سنگر منهدم گردید. بعد از ظهر پیرروز (جمعه) در همین جبهه یک تانکر دشمن به آتش کشیده شد و تعدادی از افراد دشمن به هلاکت رسیدند. بر طبق همین گزارش حداقل ۳ خودرو، چندین سنگر گروهی دشمن و ۲ تانک در قسمتی دیگر از جبهه آبادان نابود شدند و تلفات قابل توجهی به دشمن وارد بقیه در صفحه ۷

جنگ مدافعان انقلاب با مزدوران متجاوز صدام حسین به منظور بیرون راندن آنان از خاک ایران، بشدت ادامه دارد. به گزارش دفتر مرکزی خبر، به نقل از یک مقام آگاه در ستاد جنگ آبادان، طی حملات روز جمعه خمپاره اندازهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در جاده ماه شهر-آبادان، یک تانک با خدمه آن و ۳ سنگر گروهی دشمن بکلی منهدم و حدود ۳۰ نفر از مزدوران متجاوز کشته و زخمی شدند. در بخش دیگری از

امام خمینی:

این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و برای همه ملت که در چنین وقت حساس اختلاف نکنند

هر چه بسر این ملت آمد، از این فرهنگ غربی آمد

صفحه ۷

نامه



ارگان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۸۸ یکشنبه ۱۶ آذر ۱۳۵۹، مطابق با ۲۸ محرم ۱۴۰۱، به: ۱۵ ریال

سالروز ۱۶ آذر گرامی باد

نسلی که از خون شهدای ۱۶ آذر برخاست، اکنون در جبهه ها با امپریالیسم امریکامی رزمند

* دو دانشجوی توده ای و یک دانشجوی مصدقی با نثار خون خود نضای خفقانی رژیم کودتا را درهم شکستند.

۱۶ آذر ۱۳۳۳، روز خشم، روز فریاد، روز شهادت سه دانشجوی انقلابی، روز «اتحاد، مبارزه، پیروزی» است. در ۱۶ آذر ۱۳۳۳، خروش خشمی که پس از کودتای ۲۸ مرداد، در گلوی مبارزان گره خورده بود، با شعار «مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع»، فضای خفقان را شکافت. مصطفی بزرگنیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی، عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی هوادار دکتر مصدق، سه دانشجوی مبارز دانشکده فنی دانشگاه تهران، با تقدیم خون خود به خلق ایران فضای خفقانی رژیم شاه ملعون را درهم شکستند.

مزدوران آمریکائی، پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تمام نیروی خود را صرف سرکوب و بهزندان انداختن مبارزان، بویژه توده ای ها کردند، از جمله در دانشگاه. اما آنها نتوانستند جلوی اتحاد و مبارزه دانشجویان را، که میرفت سرآغاز جنبش نوینی در ایران باشد، بگیرند. در ۲۱ آبانماه سال ۱۳۳۲، دانشجویان دانشگاه تهران، با تعطیل کردن دانشگاه، در تظاهراتی که مردم برای اعتراض به رژیم کودتاجی ترتیب داده بودند، همگام شدند.

در این روز اربابان به رهبری شعبان بزم، به خوابگاه و منازل دانشجویان هجوم بردند و عریضه- کشان خواستار تعطیل دانشگاه شدند. آنها به خیال خام خود می- خواستند با سرکوب دانشجویان، جلوی خروش و خشم بحق و آگاهانه آنها را بگیرند. لیکن اقدامات وحشیانه رژیم کودتا نتوانست جلوی روند اتحاد و مبارزه دانشجویان را بگیرد. ماه بعد، در روز ۱۶ آذر ۱۳۳۲ اعتراض دانشجویان بار دیگر فضای دانشگاه را شکافت. اعتراض بحق دانشجویان، بخاطر بقیه در صفحه ۴

به مناسبت ۱۶ آذر در گذرگاه

یاران به انتظار سحر - باران سرب را پذیرا شدیم - در قتلگاه شب ایستادند. هنگام که بلندای سردوشان ستاره فرو افتاد آفتاب برآسند. اینک گرمای نواز شکر خورشید: فریاد زخم خورده یاران که می-بارد.

آذر یار - آذرماه ۱۳۵۹

اجلاس ۷ کشور عضو پیمان ورشو در مسکو:

لهستان سوسیالیستی میتواند بر روی همبستگی برادرانه و حمایت دیگر کشورهای عضو پیمان ورشو حساب کند

ورشو به پیشنهاد های کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورها در سازمان ملل متحد، در زمینه محدود کردن مسابقه تسلیحاتی، اشاره کردند و یادآور شدند که این عوامل می تواند به تشنج زدائی کمک کند. شرکت کنندگان در اجلاس مسکو تاکید کردند که در آینده نیز مانند گذشته سهم خود را در راه تشنج زدائی و حل و فصل مسألت آمیز اختلافات و گسترش بقیه در صفحه ۷

پیش ورشو ثابت کرده است. پیشنهاد هایی که بوسیله کشورهای سوسیالیستی برادر در ورشو مطرح شد، با واکنشهای مثبت روبرو شده و این پیشنهادها با منافع ملتها منطبق است. در اجلاس مسکو، کشورهای عضو پیمان ورشو به گسترش تماسهای سیاسی میان کشورهای دارای نظامهای مختلف و ادامه بحث و گفتگو درباره مسائل گوناگون تاکید کردند. رهبران کشورهای عضو پیمان

کنفرانس رهبران حزبی و دولتی کشورهای عضو پیمان ورشو: بلغارستان، لهستان، جمهوری دمکراتیک آلمان، رومانی، چکسلواکی، مجارستان و اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس درباره روند رویدادهای جهان بحث و تبادل نظر کردند و یادآور شدند که روند رویدادها درستی ارزیابی های کشورهای عضو پیمان را در اجلاس چندی

تاس افشا می کند:

بورژینسکی خواستار «مقاومت مسلحانه» علیه دولت لهستان گردید

خبرگزاری تاس، درستی گزارشهای مربوط به سخنان تحریک آمیز برژینسکی را در ملاقات با گروهی که «کارشناسان علوم سیاسی لهستان» نامیده شده اند، مورد تأیید قرارداد. برژینسکی در ملاقات با این گروه، که در چارچوب برنامه مبادلات فرهنگی به آمریکا سفر کرده بودند، توصیه کرده بود که در برابر مقامهای لهستانی، مقاومت مسلحانه، نشان داده شود. بقیه در صفحه ۴

آیت الله منتظری:

در شعارها پیمان مرگ بر آمریکا یادتان فرود

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی: فرانسو و آمریکا از هم جدا نیستند

حجت الاسلام سید حسین خمینی: خطری که بر درمنزلمان آمده است، لمس کنیم

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

آیت الله منتظری:

در شعار هایتان مرگ بر آمریکا یادتان نرود

آیت الله منتظری در مراسم باشکوه نماز جمعه قم از جمله گفت: «این جنگ را آمریکائیا ایجاد کردند. خیال میکردند که دو سه روزه تمام خواهد شد، خوزستان گرفته میشود و انقلاب اسلامی هم شکست میخورد. حالا نشد، راه دیگر است همان ایجاد اختلاف، همان کاری که آن یهود در مدینه کرد، آمد و مسلمانها را که با هم رفیق بودند، تحریک کرد و داشت جنگ درست میکرد. هر روزی از یک راه دشمنان میخواستند ایجاد قتل بکنند، جنگ درست بکنند. من و شما بایستی هوشیار باشیم، توجه داشته باشیم، گول نخوریم. من توصیه میکنم به همه ملت، به همه گروهها، اگر نسبت به هم انتقاد دارید، انتقاد سازنده و دوستانه مانعی ندارد، چنانکه خود من هم گاهی اوقات انتقاد میکنم، اما جوری نباشد که انتقادهای خوارک برای رادیوهای بیگانه و دشمنان درست بکنند و آنها بفهمند که بین ما دعوا و اختلاف هست. اینجور نباید باشد و به گروههایی که در ایران هستند، به گروههای اسلامی من دوستانه تذکر میدهم که به ملت بیبوفند، به جمع بیبوفند، جدا از اجتماعات مردم نباشند. اگر از اجتماع جدا باشند، دشمن بفکر سوءاستفاده از آنها میافتد. من خدای ناکرده نمیخواهم بگویم گروهها مستقیما با دشمنان همکاری دارند، بی جهت نمیخواهم به کسی تهمت بزنم، اما بسا این گروهها گرائیها و دستهبندیها دشمن را به طمع بیندازد. ما نباید کاری کنیم که دشمن به طمع بیفتد. حالا ببینید من از روزنامه جمهوری اسلامی یک قسمتی که مربوط به گذشته است، نقل میکنم: اما ببینید در دنیا چه میگردد: آقای برژینسکی، که مشاور امنیتی کارتر است، دستور میدهد به وزارت خارجه آمریکا، نظریات آقای کارتر را برای آقای وزیر خارجه منعکس میکند که عمل کند و یکی از دستورات این است. آقایان خوب دقت کنند. مخصوصا گروههایی که در ایران هستند دقت کنند به این متن رئیس جمهور همچنین تاکید کرد (آقای کارتر) که با توجه به قابل پیشبینی نبودن حوادث، تحولات آینده در ایران الزاما مهم است که آمریکا با تمامی رهبران سازمانها و گرایشهای سیاسی بدون استثناء من جمله اقلیتها و گروههای افراطی که قادرند مقاومتهای مسلحانه علیه رژیم خمینی را تحریک کنند، تماسهایی برقرار نماید، یعنی وزارت خارجه هر طوری که میتواند با روسای گروهها تماس برقرار کند. او که نمیآید بگوید من وزیر امور خارجه آمریکا هستم، نمیگوید که من عامل سیا هستم، راههای مختلف دارد. پس ای گروههای اسلامی من نمیگویم و خدای ناکرده نمیخواهم شما را متهم کنم که شما با دشمنان بند وبستی دارید، اما این حرف که گروه بندیهای ما در آن طمع ایجاد میکند، تلاش میکنند که از راه ایجاد اختلاف و جنگ از ما سوء استفاده کنند، برای اینکه به دشمن تودهنی بزنیم و بفهمانیم که از ما میشود سوء استفاده کرد، علیرغم آنچه که دشمن میخواهد از دوستگی ما سوء استفاده کند، بیائید و به جمعیت و به همه ملت بیبوفند»

آیت الله منتظری افزود:

«تذکر دیگر اینکه همانطور که گفتیم، آمریکا هر روزی به یک وسیله ای میخواهد این انقلاب اسلامی را از بین ببرد. شما یادتان نرود. دشمن بزرگ ما آمریکا است. توی شعار هایتان مرگ بر آمریکا یادتان نرود، چنانچه مرگ بر صدام هم یادتان نرود. آمریکا در خاورمیانه منافع دارد، برای منافعش مجبور است دشمنی بکند. از جنگ که نتیجه نگیرد، ممکن است گروهها، طبقات مردم را برای تحریک بکنند، از جمله چیزهایی که اخیرا شنیده می شود، در بین ارتش تبلیغاتی بر علیه روحانیت است. ای برادران ارتش، بعد از انقلاب، روحانیت بود که حامی ارتش بود، رهبر انقلاب بود که حامی ارتش بود. بعضیها علیه ارتش تبلیغات میکردند و رهبر انقلاب و روحانیت از ارتش دفاع میکرد. الان دشمنان، ضد انقلابها، که می- خواهند ارتش را و ملت و روحانیت را از هم جدا کنند، ملت و ارتش و روحانیت و سایر قوای نظامی و انتظامی همه باید با هم متحد و هماهنگ باشیم و این انقلاب را به پیروزی نهایی برسانیم. آنها میخواهند که این مبارزه ما تضعیف شود و از بین برود و انقلاب شکست بخورد و دشمنان براهای مختلف وارد میشوند. بدانید که ضد انقلاب است که ارتش را علیه روحانیت و روحانیت را علیه ارتش، یعنی میروند و تحریک میکنند ملت را علیه ارتش، ارتش را علیه ملت تحریک می کنند و جدا، جدا که بشود، گوسفندها که جدا، جدا بشوند، از آن چوپان که جدا بشوند، گرگها میخورند آنها را. ملت، ارتش، روحانی، هر طبقه ای، از رهبر انقلاب جدا نشود، زیر چتر وحدت رهبر انقلاب بمانید و در پیشبرد انقلاب کوشش و جدیت کنید. باشد که به برکت همه شما این انقلاب به پیروزی نهایی برسد. انشاء الله.»

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی:

فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در مصاحبه ای با سی. بی. اس، شبکه رادیو تلویزیونی سراسری آمریکا گفت که: دکارت در همه توطئه ها علیه ایران به شکل مستقیم و یا با واسطه دخالت داشت.

حجت الاسلام سید حسین خمینی: خطری که بر در منزلمان آمده است، لمس کنیم

«امروز آن کسانی که زیر چتر آقای بنی صدر جمع شده اند، می خواهند علیه امام وارد عمل شوند.»

حجت الاسلام سید حسین خمینی، نوه امام خمینی، در گفت و گوئی با روزنامه اطلاعات، با اشاره به حوادث اخیر ضمن ابراز سخنان بالا از جمله گفت:

«اینجا میخواهند علیه امام وارد عمل شوند. اینان امام را فقط مقابل خود می بینند و الا دیگران که آن انداز به برای آنان خطر ندارند. ولی امروز وقتی نمی توانند به امام چیزی بگویند، به آیت الله منتظری می گویند... امیدوارم آقای بنی صدر موضعی را در مقابل این بی انصافها روشن کند.»

من بار دیگر میگویم، من آقای بنی صدر را دوست دارم، ولی متأسفانه آن عده ای که دور ایشان را گرفته اند، شلوغ می کنند. آن عده ای که همه می شناسیمشان. چه شد که آنها تکیه تا چند پیش در خارج از کشور به خون یکدیگر تشنه بودند، یک مرتبه دوست صمیمی یکدیگر شدند؟ چه شد که آقای بازرگان و آقای سبحانی آمده بودند خدمت امام و عینک خودشان را از زور ناراحتی آقای قطب زاده زمین زدند، ناگهان عزیز عزیزانشان شد؟ چه شد که آقای قطب زاده که با آقای بنی صدر مخالف بود، خود را یک مرتبه جزو طرفداران ایشان قرار داد؟ چه شد که آقای قطب زاده ای که می گفت آقای یزدی گذرنامه و یا برگ سبز از آمریکا گرفته است، یعنی از قراری که می گویند، این یک نوع تمبیدی است که به آمریکا خیانت نکند و این را دلیل می گرفت که او به امام نزدیک نشود، ناگهان یار و یاور همدیگر شدند؟ و چه شده ای دیگری که اگر حال کنم و وقت، مثنوی هفتاد من کاغذ شود. چه شد که آقای بازرگانی که در پاریس آمده بود، چون امام فرمودند موضعیت را در مقابل رژیم مشخص کن، یعنی بگو رژیم شاهنشاهی را قبول نداری، آنوقت بیا پیش من، آقای بازرگان قبول نکرد و امام هم او را راه نداد و برگشت ایران، بعد در چند سخنرانی گفت، امام فرمودند برو کابینه را تشکیل بده، که من از امام پرسیدم: ایشان فرمودند یادم نیست. و آقای قطب زاده که مخالف آقای بازرگان بود و می گفت این همیشه عقب تر از مردم است، و من آقای قطب زاده را در مقابل خانه امام در پاریس گرفتم و گفتم چه شد که شما برای آقای عزت الله سبحانی و آیت الله طالقانی نامه نوشیدید نه برای آقای بازرگان، گفت این پیر مرد خرفت شده است و من تنها عقیده دارم که باید راه امام را رفت، یک مرتبه آقای بازرگان بدون آقای قطب زاده عزیزش آب از گلوش پائین نرفت؟ چه شد که آقای علی اصغر حاج سید جوادی یک مرتبه یادش آمد قانون اساسی شاهنشاهی هم محتوایش خوب است و کار دانشجویان پیرو خط امام بزرگترین خیانت است؟ چه شد که آقای بنی صدر وقتی رئیس جمهور شد، آقای قطب زاده جلوی من به عموم گفت بزرگترین فاجعه تاریخ رخ داد و امروز رئیس جمهور عزیزش شده است؟ ترا بخدا نکند، این کارها بد است، این هماهنگی و رفاقت تا کتیک بد است. امروز دشمن امام را هدف قرار داده است. وقتی دید اختلافات داخلی امام را از پای در نیارود، جنگ تمحیلی را آغاز کرد. وقتی دید جنگ امام را نمی تواند از پای در آورد و مردم را منسجم کرد، جنگ و اختلافات داخلی را برپا نمود، وقتی دید هر دو ممکن است نتواند امام را از پای در آورد کانال اطلاعاتی امام عنوان شد. وقتی دید همه اینها ممکن است اثر مطلوب رانبخشد، ناگهان فقط معصوم اشتباه نمی کند عنوان شد. وقتی دید همه اینها ممکن است اثر نکند، نامه خصوصی به امام در سطح مدارس پخش می شود. وقتی همه اینها اثر نکند، عکس آیت الله منتظری یار امام و امت در مشهد پاره می شود، بعد چی، خدا نیارود آرزو را. خواهران و برادران عزیزم! من به عنوان یک برادر از همه شما می خواهم که خطری را که بر در منزلان آمده است، لمس کنیم. خطر نه تنها حزب و روحانیون حزب و اصولا تمام روحانیون نیست، که حمله به اینها موجب تقویتشان است. خطر آرزوی است که دولتمردان برای ریاست از امام خرج کنند و یا برای ریاست امام را از اثر بیاندازند که نخواهند توانست. آری همه اینها جمع شده اند تا امام را از جمع جدا کنند. بحمد الله کسی نمی تواند مرا متهم کند که تو حزبی بوده ای و یا هستی. چون من رابطه ام از قبل با آقای بنی صدر روشن بوده است. آخر این چگونه انصاف است که امام بفرمایند ساکت باشید، آنوقت این گونه در مشهد و تهران توطئه کنند؟»

امریکا جنگ عراق علیه ایران را موجب شد و سپس پادشاهی های اردن و عربستان سعودی، کویت و سایر عمل خود را در آمریکا به حمایت از عراق مجبور کرد.

حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد گروگانها گفت که: تنها با قبول شرایط پیشنهادی ایران از طرف آمریکا گروگانها آزاد نخواهند شد، بلکه در صورت اجرا و پیاده شدن شرایط، گروگانها آزاد خواهند شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی ایران مجددا به موضوع جنگ عراق علیه ایران اشاره کرد و گفت:

روز اول جنگ عراق علیه ایران، سفیر آمریکا به رژیم

سالروز ۱۶ آذر...

بقیه از صفحه ۱

ورد نیکسون، معاون رئیس جمهور وقت آمریکا بود. در این روز مصطفی بزرگنیا عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران و یکی از سه شهید مبارز آنروز، خوشحال وارد دانشگاه شد. وی که شب قبل دیوارهای اطراف دانشگاه و ژاندارمری را با شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر شاه»، تزیین کرده بود، با بازدید دوباره آنها و اطمینان از اینکه هنوز شعارها زینت بخش دیوارها هستند، راضی وارد کلاس شد. چند لحظه بعد، مزدوران رژیم کودتا برای بازداشت ۲ دانشجوی راه و ساختمان، در حالی که مسلسل به همراه داشتند، وارد کلاس شدند. دانشجویان که نقشه پیاده کردن اعتراض خود را برای ورود نیکسون در سر می پیروانند، با دیدن این عمل از سوی مزدوران آمریکایی، به نشانه اتحاد با دو دانشجوی راه و ساختمان، به همراه استادان خود از کلاس خارج شدند و با شعار «مرگ بر شاه مزدور»، در محوطه دانشگاه گرد آمدند. تظاهرات دانشجویان، که هر لحظه اوج بیشتری میگرفت، باعث وحشت جنایتکاران مزدور شاه شد. دژ خیمان دست نشانده آمریکا، به تصور اینکه می توانند با گلوله های خود، فریادها را در گلو خفه کنند، دانشجویان را به مسلسل بستند و با شهادت سه دانشجو مبارز و بجا گذاشتن دهها زخمی، برگ دیگری بر جنایات ننگین خود افزودند.

سه شهید مبارز: مصطفی بزرگنیا، عضو کمیته مرکزی سازمان جوانان توده ایران، مهدی شریعت رضوی عضو سازمان جوانان توده ایران و احمد قندچی هوانا در دکت مصدق، بانثار خون خود به خلق ایران نشان دادند که انقلاب زنده است. آری، مزدوران دست نشانده آمریکا، نمی دانستند که با یخون کشیدن

اشغالگر قدس اطلاع داد که این هواپیماهای عراقی که به اردن آمده اند، برای این است که از حمله های هوایی ایران محفوظ باشند و شما ناراحت نباشید. این مسئله نشان میدهد که قبلا عراق، اردن، آمریکا و رژیم اشغالگر قدس کارهایشان را هماهنگ کرده بودند. فرانسه با اشاره آمریکا در محاصره اقتصادی علیه ما شرکت میکند و الان هم به عراق اسلحه میدهد. فرانسه و آمریکا از هم جدا نیستند و بطور کلی اردوگاه غرب حامی عراق است، به این دلیل که با جمهوری اسلامی ایران مخالفتند، زیرا ما منافع آنان را در منطقه به خطر انداخته ایم، ما با رژیم اشغالگر قدس خواهیم جنگیده.

بهترین فرزندان مبارز ایران، شعار، «اتحاد، مبارزه، پیروزی» جان می گیرد و ۲۶ سال بعد، در انقلاب شکوهمند ایران، به ثمر میرسد.

از آن پس، یعنی از ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ تا بهمن ۱۳۵۷، جنبش دانشجویی در ایران مسیر پر پیچ و خمی را گذراند: علیرغم فشارهایی که از سوی رژیم دیکتاتور آمریکایی به دانشجویان وارد میشد، سنت مبارزه در بین دانشجویان زنده ماند و هر روز بیشتر از پیش شکوفان شد. دانشجویان متعهد با وجود فضای خفقان سنگین دیکتاتوری در رژیم گذشته ۱۶ آذر، روز دانشجو، را در شرایطی مخفی برگزار می کردند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران، برای اولین بار این فرصت بدست آمد، تا در فضای باز و در شرایطی کاملا تازه، مراسم این روز مقدس با شکوه هر چه بیشتر برگزار شود. در ۱۶ آذر سال گذشته، از سوی دانشجویان دمکرات ایران، مراسم در دانشگاه تهران و دیگر دانشگاههای ایران برگزار شد. در این روز برای اولین بار، رفقا، همسران و خانواده های سه شهید مبارز توانستند پس از ۲۶ سال در شرایطی آزاد، از مبارزه، زندگی و رزم آنها سخن بگویند.

امسال نیز دانشجویان متعهد و مومن به انقلاب در جنبه و پشت جنبه نبرد، متحد و همدوش با دیگر رزمندگان ایران، علیه تجاوز آمریکایی رژیم صدام در مبارزه اند. آری، شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» در ۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ در دانشگاه متولد شد، در انقلاب شکوهمند مردم ایران در خیابانها بارور شد و هم اکنون در مرزهای ایران و در پشت جنبه، تکامل می یابد. خاطره شهیدان دانشجو را گرامی میداریم و با الهام از مبارزه خونین و متحد آنان، به پیکار در راه استقلال، آزادی و ترقی ایران ادامه میدهیم.

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم

عمومی بین المللی تنها بعنوان مداخله مستقیم در امور داخلی لهستان تلقی شود. سخنگویان برژینسکی تلاش دارند این ملاقات را تکذیب کنند. تاس تاکید کرد: اگر مقامهای آمریکایی همچنان به تکذیب این خبرگزاری می توانستند به حافظه این مقامها یاری کند و اسامی افراد شرکت کننده در ملاقات را برای اطلاع همگان منتشر سازد.

تاس افشامیکند...
بقیه از صفحه ۱

تاس نوشت: برژینسکی همچنین در این ملاقات ادعا کرد که اقتصاد لهستان دچار هر چه مرج شده است و لهستان برای آنکه اعتبار مالی بدست آورد، باید به صندوق بین المللی پول ملحق شود. تاس نوشت: بخوبی روشن است که این باصلاح توصیه میتواند از سوی مردم لهستان و افکار

فرد و اجتماع

مارکسیسم تکامل آزادانه هر فرد را شرط ضرورت تکامل سرآبای جامعه نوین می‌داند

می‌کنند: "فرد" و "فردیت" و "شخصیت فردی" (یا به‌سادگی: "شخصیت").

(۱) مفهوم "فرد" یا "فرد بشری" تنها بیانگر متعلق بودن به "نوع انسانی" است و مشخصات عین اجتماعی یا روانی آن فرد را بیان نمی‌کند؛

(۲) از واژه "فرد" در روان‌شناسی اصطلاح "فردیت" منشعب شده‌است. مفهوم "فردیت" نیز با "فرد" تفاوت دارد. "فردیت" مجموع ویژگی‌های جسمانی و نفسانی است که یک فرد انسانی را از افراد دیگر مجزا می‌کند و این ویژگی‌ها در سیر تکوین انسانی فرد، یا به ارت رسیده و یا در جریان زندگی رشد و تکامل یافته‌است؛

(۳) اما مفهوم "شخصیت فردی" یا "شخصیت"، یعنی "انسان تمام عیار"، که دارای ویژگی‌های فردی و نقش‌ها و عمل‌کردهای اجتماعی است که آن فرد انجام می‌دهد.

در "بحث" های درهم‌اندیشانه‌ای که "گارشاسان" خودخوانده مارکسیسم انجام می‌دهند، از این تفاوت‌ها خبری ندارند. ما هم در این باره سخت‌گیری نمی‌کنیم و موافق اصطلاح متداول در نزد آنها، "فرد" را به‌همان معنای "شخصیت فردی" می‌گیریم و در این نوشته به‌همان اصطلاح فرد، مبتنی به این معنای اخیر، اکتفا می‌کنیم.

"فرد" بدین معنی، از لحاظ بینش مارکسیستی، محصول تکامل اجتماعی، حاصل مناسبات و روابط اجتماعی است و حیات مجزا ندارد، بلکه بخشی است از "جمع" (کلکتیف) مانند: صنف‌ها، قشرها، طبقات، حلق‌ها، ملت‌ها، اجناسات بزرگ انسانی، جامعه بشری.

انسان از همان آغاز به‌عنوان فردی دارای شخصیت انسانی زائیده نمی‌شود، بلکه در آغوش جامعه است که مشخصات انسانی را، چه از لحاظ نوعی و چه از لحاظ صرفاً انفرادی کسب می‌کند. انسان جدا از جامعه به‌شخصیت انسانی، به‌فردی از نوع انسانی بدل نمی‌شود، برآز خودآگاهی انسانی، به‌علت فرا گرفتن زبان، کار، ابزار، اندیشیدن، فرهنگ مادی و معنوی محروم می‌ماند.

به‌همین جهت مارکس می‌گوید:

"افراد انسانی، خود از جهت فیزیکی (یا جسمی) و خواص از جهت نفسانی یکدیگر را ایجاد می‌کنند." (کلیات - جلد ۳ - صفحه ۳۶)

ولی مارکسیسم فرد انسانی را تنها محصول منفعل اجتماع نمی‌شمارد. فرد انسانی در جریان حیات اجتماعی خود دارای یک "جهان درونی" می‌شود که معنا و صبح اولیه رفتار او نسبت به افراد دیگر و بهادها و مومسات اجتماعی است. مناسبات این روندها، یعنی فراگیری تأثیرات خارج و ابزار محتضات فردی خود (که در نزد هر فرد انسانی به نحوی است) موجب بیدایش روندهای اجتماعی است. لذا مارکسیسم بر آن است که:

"همان‌طور که جامعه، فرد انسانی را پدید می‌آورد (می‌سازد)، به‌همان نحو فرد، جامعه را پدید می‌کند." (آثار اولیه مارکس و انگلس، سال ۱۹۵۶ - صفحه ۵۸۹)

بدین ترتیب فرد انسانی موجودی است اجتماعی و خودآگاهی او محصول این اجتماعی بودن است و بین فرد و جامعه رابطه متقابل آرم‌سنگری وجود دارد.

انسان، به‌قول مارکس، خود را در آئینه انسان‌های دیگر می‌بیند و می‌شناسد. مارکس می‌گوید:

"ماهیت انسان چیزی مجرد که خاص فرد جداگانه‌ای باشد، نیست، بلکه ماهیت انسان درواقعیت خود، مجموعه مناسبات اجتماعی است." (کلیات - ج ۳ - ص ۲۳)

این تعریف مهم مارکسیستی در مقابل احکام سفسطه‌آمیز انسان‌شناسی بورژوازی قرار دارد که ماهیت انسان را نهایتاً یک خصیصه مجرد زیستی (بیولوژیک) می‌شمرد و چنین دعوی دارند که مختصات هر انسانی، که در شخصیت نفسانی او

بروز می‌کند، در "زن" های زیستی او نهان است و زندگی چیزی جز گسترش و بیداری این مختصات نهفته نیست.

مارکسیسم با قاطعیت بر آن است که انسان، برخلاف همه دیگر جانوران، فردیت و شخصیت خود را تنها و تنها در دامن جامعه کسب می‌کند و بدون کار و ابزار و زبان و نیازهای ناشی از آن، انسان، انسان نمی‌شود، انسان از زنجیر حیوانیت رها نمی‌یابد.

اینجا، جای غوطه‌زدن در این بحث مشعب نیست. تنها کافی است یادآور شویم که تکوین انسان بعنوان نوع، در روند کار تولید انجام گرفته است. در جریان کار و ایجاد ابزار و اشیاء (محصولات کار) انسان شخصیت خود را بنا می‌سازد، ولی در سرآغاز تاریخ حامل آگاهی هنوز فرد جداگانه انسانی نبود، بلکه دودمان باطایفه خونین (زائس) بود، و بنا به تصریح مارکس، در نتیجه نازل بودن سطح وسایل تولید "فرد جداگانه نبود، به‌دودمان (طایفه) خونی" نمی‌توانست نسبت استقلال کند." (مارکس: اشکال ماقبل تولید سرمایه‌داری، ۱۹۴۵، ص ۱۸) یعنی "حقوق و تکالیف فرد، حقوق و تکالیف فردی نبود، بلکه حقوق و تکالیف دودمانی بود." (همانجا - ج ۲ - ص ۹۹)

بنا به تخریح مارکس: "در جریان تکامل تاریخی و اتفاقاً در نتیجه آنکه در اثر تقسیم کار بین انسان‌ها، مناسبات اجتماعی بناگیز به اموری مستقل مبدل می‌شوند. تفاوت بین زندگی هر فرد بعنوان فرد و زندگی اش، در آن حد که تابع این یا آن رشته کار است (و همه شرایطی که به این واقعیت مربوط است) پیدا می‌شود." (کلیات - ج ۳ - ص ۷۷)

این تفاوت، پس از بیدایش مالکیت خصوصی و تقسیم جامعه به طبقات متناقض تشدید می‌گردد، زیرا دیگر استعدادات فرد نیست که پایه تقسیم نقش‌های اجتماعی بین افراد است، بلکه وضع اجتماعی اوست که در پایه این تقسیم نقش اجتماعی قرار دارد.

در اثر تقسیم کار اجتماعی، همه عرصه‌های فعالیت انسان به صورت سازمان‌ها (سهادها) درمی‌آید و کار یک‌مرد (هرکسی که باشد) به صورت عمل‌کردی بروز می‌کند که بخشی است از وظایف عمومی. بدین‌سان هدف اجتماعی فعالیت فرد از خود این فعالیت جدا می‌شود و حتی به صورت یک نیروی خارجی در روبروی او قرار می‌گیرد (با او مقابله پیدا می‌کند)؛ و فرد را وامی‌دارد عمل‌کردی را اجراء کند که اهمیت و معنای آن عمل برایش روشن نیست. بدین‌سان از خود بیگانگی کار اجتماعی انسان پدید می‌شود که در نتیجه آن، فرد نمی‌تواند خود را بانقشی که در جامعه اجرا می‌کند، یکسان و همانند یابد، بلکه آن را در مقابل تخمیل جامعه بر خویش می‌شمرد و لذا برای آنکه کسب شخصیت کند، راه این کسب شخصیت را در مقابله و تنازع فرد و جامعه می‌یابد. پس در برده این مقابله و تنازع فرد و جامعه، در واقع تضاد خود زندگی اجتماعی قرار گرفته است و تقابل فرد و جامعه امری محتوم نیست که نتوان از آن اجترار جست.

در جامعه بردگی یونانی قدیم، فضیلت انسانی را تنها خاص افراد آزاد (که در فلسفه یونان تنها او را "انسان طبیعی" می‌دانستند) می‌شمرند و بردگان را ناهنجار "شیئی جاندار" نازل می‌دانند.

در نظام فئودالی، که در آن سلسله مراتب قشرها و زمره‌ها برقرار بود، فرد خودی خود دارای موقعیت قائم‌بالذات نبود، و وظایف و حقوق او به زمره و صنفی که بدان تعلق داشت مربوط می‌شد.

بیدایش سرمایه‌داری در وضع فرد تحولات جدی ایجاد کرد. کارفرمائی خصوصی سرمایه‌داری، بدون ابتکار و تدبیر خصوصی شخصی افراد، امکان‌پذیر نبود، لذا برخاستن بر ضد نظام فئودالی به‌صورت مطالبه "آزادی" مطرح شد. این اندیشه در تکامل تدریجی خود از قرن

چهاردهم تا اواخر قرن هجدهم، کم‌کم به صورت مطالبه حقوق مدنی و سیاسی برای همه افراد اجتماع درآمد. در اینجا حتی نقش جامعه در برده قرار می‌گرفت و نوعی خود-خواهی بدون قید رط اصالت می‌یافت. در همین دوران است که شیوه تفکر بورژوازی "لیبرال" زائیده می‌شود و مفهوم "آزادی"، جدا از بررسی تضادهای درونی جامعه، در آغاز ساده‌گرایانه و بعدها سالوسانه و مودیانه، برجسته می‌گردد.

در نظام سرمایه‌داری، تخصص و تشعب در فعالیت اجتماعی، اشکال بسیار متنوع کار و شغل پدید آورد، ولی بناچار میدان عمل هر فرد را تنگ‌تر و تنگ‌تر ساخت و شخصیت فرد ناهد آن عمل‌کردهای محدودی که جامعه برایش مقرر می‌داشت، تنزل یافت. تبدیل کار انسانی به کالائی که در بازار سرمایه‌داری در معرض خرید و فروش است، از خود بیگانگی انسان را تشدید کرد، زیرا در این شرایط انسان به‌عنوان شخصیت تمام عیار، بلکه به‌عنوان وسیله اجراء عمل‌کرد معین وارد صحنه زندگی می‌شود. مناسبات انسانها از مناسبات افراد انسانی، به مناسبات "عمل‌کردهای انتزاعی" آنها تبدیل می‌گردد، یعنی به مناسباتی که فاقد شخصیت است. کارفرما کاری به "شخصیت انسانی" کارگر یا کارمند ندارد. برایش کارائی و بهره‌دهی او در فعالیتی که به او مراجعه می‌شود، مطرح است، و در برابر کارگر نیز کارفرما فرار ندارد. بلکه "شرکت" و یا "کمپانی" بلاشخصیت قرار دارد. لذا اشیاء شخصیت می‌یابند و اشخاص فاقد شخصیت می‌شوند یا شخصیت می‌یابند و بین "جهان درونی" فرد و جهان برونی و اجتماعی تضاد فاجعه‌آمیزی پدید می‌آید. بدینسان، دعوی خود اندیشه‌پردازان بورژوازی درباره "آزادی فرد"، در عمل، در درون ماشین عظیم و خوردکننده تولید سرمایه‌داری، به هیچ بدل می‌شود.

شاعر معروف آلمانی شیلر، در زمینه وضع فرد در تولید سرمایه‌داری زمانی نوشت:

"هر قدر هم جهان در مجموع خود از این تکامل مجزای نیروهای انسانی برد کرده باشد، نمی‌توان انکار کرد که افراد انسانی از جور و ستم این مقصد جهانی، آسیب می‌بینند." (کلیات شیلر - ج ۶ - صفحه ۳۰۲ - چاپ سال ۱۹۵۷)

درباره سرنوشت فرد و آزادی او در جهان سرمایه‌داری، که شیلر بدان اشاره کرده، بسیاری از فلاسفه بزرگ دوران بورژوازی، مانند کانت و هگل نیز سخن گفته‌اند، که جای بحث از آن سخنان در این جا نیست.

جامعه‌شناسی معاصر سرمایه‌داری نیز این مطلب را مطرح کرده است. برخی مکاتب فلسفی سرمایه‌داری معاصر (مانند پرسونالیسم و اگرستانسالیسم) کلا خود را وقف این مطلب ساخته‌اند و در این باره سخنان فراوان گفته‌شده است که باید در منابع مربوطه بررسی کرد.

ویرانسازی شخصیت در جامعه سرمایه‌داری از دوره انجام می‌گیرد: از راه تولید سرمایه‌داری، که در زیر چرخ عظیم ماشینی خود، انسانها را فاقد شخصیت و هموار و یکواخت می‌سازد، و از راه بخش طرز تفکر فردگرایانه (اندیوی دوآلیسم) که خودآگاهی کاذب و زبان‌مندی را در فرد پدید می‌آورد و بیوند عاطفی و نوعی او را با انسانهای دیگر و با جامعه قطع می‌کند یا ناتوان می‌سازد، و او را در خودسندگی و عزلتی بندار آمیز فرومیبرد. انسان فردگرا، که گاه حتی به نسبت به مردم و جامعه کینه می‌ورزد، مانند غنای معنوی یک‌انسان تمام عیار است. این تفکر و محدودیت روحی عجیب بورژوازی هم‌اکنون در انسانهای بورژوازه جامعه ما نیز فراوان دیده می‌شود.

مارکس و انگلس در اثر معروف خود اپیدتولوژی آلمانی می‌نویسند که، مقابله انتزاعی و معده و خودخواهی و غیرخواهی "چیزی است که بی‌ظهور بنظر می‌رسد، زیرا یکی از دو وجه، یعنی جهت "منفعت عام" دائماً بوسیله جهت دیگر، یعنی بوسیله "منفعت خصوصی" بوجود می‌آید و به هیچ وجه بعنوان نیروی مستقلی که دارای تاریخ مستقل باشد، روبروی آن قرار ندارد." (کلیات - ج ۲ - ص ۲۲۶)

شیوه حل این تضاد تنها یک راه است و آنهم اجتماعی کردن فرد و تبدیل جامعه مدنی بورژوازی به جامعه انسانی است. راه رهایی فرد در رهایی جمع است، ولی در عین حال "جامعه نمی‌تواند خود را رها سازد، بدون آن که هر فرد انسانی را رها ساخته باشد." (انگلس - آتی دورینگ - چاپ ۱۹۵۷ - صفحه ۲۷۸)

و یا به بیان مارکس، جامعه انسانی آن جنان جامعه‌ایست که در آن باید "تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل همه باشد." (کلیات - جلد ۴ - ص ۴۴۷)

بدینسان مناسبات فرد با جامعه مورد تغییر بنیادی قرار می‌گیرد و نمونه تازه‌ای از فرد پدید می‌شود که سوی تکامل همه‌سویه معنوی و مادی

بقیه در صفحه ۴

مخالفان بینش علمی مارکسیستی از شیوه "تنها به قاضی رفتن" (و ناگزیر از خود کاملاً راضی بازگشتن) خوب استفاده می‌کنند و تریبون‌های مختلف در اختیار آنهاست، تا مارکسیسم دل‌خواه و من‌درآوردی خود را ارد کنند!

در فاسانه‌های خلقی آلمانی از دهقانی حکایت می‌شود که، روزی از روزها به یک ضربت هفت‌مگس مزاحم را له‌لورده کرد و سپس نام خود را گذاشت "به یک ضربت هفت"، و همین عنوان چنان موجب شهرت او شد و چنان رعبی از او در دل‌ها افکند و چنان خود او را به خود مطمئن کرده بود، که تا مدت‌ها کارش روبراه بود! این له‌لورده‌کنندگان مارکسیسم در کنج عزلت نیز شخص رابی اختیار به‌یاد آن روستائی لاف‌زن می‌اندازند. چه ظلم‌فرسای‌ها و زبان‌فرسای‌ها که در باره رابطه مارکسیسم با آزادی، رابطه فرد و اجتماع در جامعه سوسیالیستی، هنای دیکتاتوری برلناریا، مسئله تضاد در مارکسیسم، نظر مارکسیست‌ها درباره دمکراسی و هنای این‌واژه نمی‌شود. ولی همه این بحث‌های به اصطلاح علمی، از نوع همان تنها به قاضی رفتن گذاشتی است، و همه این پهلوانی‌ها در رد کردن و تارو مار کردن بینش مارکسیستی، به‌شیوه همان روستائی لاف‌زن عمل می‌کنند.

از مجموع این مسائل که مطرح می‌کنند، در این نوشته می‌خواهیم تنها به یک مسئله برداریم و آن مسئله فرد و جامعه و رابطه این دو با یکدیگر است.

خلاصه دعوی ردکنندگان نام‌آور مارکسیسم در این عرصه آن است که گویا فرد یا شخصیت انفرادی انسانی، از نظر مارکسیسم فاقد هرگونه نقش قابل ملاحظه‌ای در جامعه است و تنها هم‌زیمنه است که باید در اجاق جامعه سوخته شود و حتی خاکستر هم از خود برجای نگذارد، تا آشی را به‌سود کسان می‌برد. فرد مجبور است بکلی در اقیانوس جامعه مستحیل گردد و دارای کم‌ترین حقی نیست و محکوم مطلق فرمان از بالاست.

سپس ردکنندگان مارکسیسم از این "استدلال" خود نیز ناراضی و بریشان خاطر می‌شوند که می‌آید چیزی به‌سود مارکسیسم گفته باشند! مبادا گفته باشند که، اگر مارکسیست‌ها فرد را ناجیزی می‌گیرند و در جامعه مستحیل می‌کنند، پس شیفته جامعه هستند و می‌خواهند خیر و نفع کل را بر خیر و نفع جز مسلط سازند، و شاید از این لحاظ عقیده مارکسیست‌ها در نظر کسان پرده‌دار در این درنماید! لذا فوراً خود را اصلاح می‌کنند که، خیال نکند خرد کردن شخصیت انفرادی فرد به نام جامعه، در واقع به خاطر جامعه است. ابتدا مطلب اینطورها نیست، بلکه خود جامعه و سخن‌وری در باره آن تنها وسیله و ابزار عوام-فریبی برای نیل به قدرت است. پس مارکسیسم یعنی این‌که گروهی قدر طلب، افراد انسانی و شخصیت انسانی را به "بهبانه" نفع جامعه سرکوب می‌کنند، به این بهانه که گویا جامعه را جلو می‌برند، ولی آنرا هم دروغ می‌گویند و آخرین مطلوب آن‌ها این است که خود را به قدرت و حکومت برسانند، به حکومت که رسیدند، جامعه را هم همراه فرد در راه ادبار سرنگون می‌کنند و به‌عنوان "دیکتاتوری برلناریا" در واقع "دیکتاتوری" خود را برقرار می‌سازند و به نام دل خود هر چه می‌خواهند انجام می‌دهند!

این سوءتعبیر از مارکسیسم، که ما آنرا به بیان خود خلاصه کرده و در این جا عرضه داشته‌ایم، یعنی نشان دادن این بینش انقلابی به‌عنوان "حد اعلائی رذالت و سوئبت سالوسانه مشتی دیوانه" قدرت طلب "تعبیر تازه‌ای نیست. از زمان بیدایش مارکسیسم "نظریه دان" های پیداست که خواستند این بینش انسانی و خلقی را (که با صداقت و بی‌گیری علمی در جستجوی یافتن راه‌حل‌های واقعی برای گسودن گروه‌های مختلف زندگی بشری مانند فقر، وابستگی، بردگی، جنگ، نادانی و وابستگی است) چنین تعبیر کنند. این نمایندگان فلسفه ساف یا زبان‌باز طبقات و قشرهای ممتاز و غارتگر، (نمایندگان خان‌ها، ارباب‌ها و سرمایه‌داران بزرگ)، برای پوشاندن ماهیت خود، برای فریبش توده‌ها، برای جلوگیری از رشد آگاهی آنها، اکنون حداقل صدوسی سال است که شب و روز، مشغول یافتن این باطل‌بند و آن‌ها را بخورد طالبانش می‌دهند و اگر خردمندانه‌ترین پاسخ‌ها را هم دریافت دارند، قانع نشدنی نیستند، زیرا به دعاوی خود احتیاج دارند. اینک بد نیست که بس از طرح مسئله از جانب مخالفان مارکسیسم، به‌خود این نکته برداریم و ببینیم که موافق بینش علمی و انسانی مارکسیستی، رابطه فرد و جامعه چگونه است و آیا دعاوی مخالفان مارکسیسم در این زمینه تا چه حد صدق می‌کند.

البته بحث در این باره، در جارجوب ستون‌های محدود روزنامه و زبان و شیوه روزنامه‌نگاری، به‌ناچار بحث محدود و ساده شده‌ای است و ما با تصریح این نکته احتیاج می‌گویم تا نکات عمده را در این باره یادآور شویم.

در مارکسیسم سه مفهوم را از یکدیگر جدا

کارگران کارگاه «زرباف» شیراز

تنها با پیروزی نهائی انقلاب وضع ما بهبود خواهد یافت

در انتهای بازار کفشان، بازار عباس آباد، کارگاه زرباف قرار دارد. فرشهای کهنه و پاره در این کارگاه بر روی هم انباشته شده اند و قریب ۳۰ رگر به کار می ریزند و رفوی این فرشها خراب دارند.

حقوق کارگران این کارگاه، بنا بر مهارتی که دارند، تعیین می شود و بین هشتاد تا صد و چهل تومان است. با تنی چند از آنها گفتگو داشتیم.

مدیر داخلی کارگاه گفت:

"۲۷ سال است در این رشته سابقه کار دارم. چند ماه است به این کارگاه آمده ام و کارم دقت داردی است. من به شما اطمینان می دهم نه وضع کارگران بسیار خوب است. ۳۰ نفر کارگر داریم، که حدود ۲۵ نفر آنها بیمه هستند و هر سال معادل یکماه حقوق خود، عیدی می گیرند. یکی از کارگران در مورد کار خود و شرایط کارگاه گفت:

"کار من رفوگری است. روزی ۱۰۵ تومان حقوق می گیرم و تاکنون از بیمه و حق مسکن استفاده نکرده ام. وضع کارگاه و کار آن نیز طوری است که اکثر کارگران ناراضی هستند. البته برای اینکه بتوانیم حقوق خودمان را از کارفرما بگیریم، سال گذشته نماینده ای انتخاب کردیم که کارفرما او را قبول نکرد و حالا هم نماینده ای نداریم. کارگری گفت:

"روزی هشتاد تومان حقوق می گیرم و با اینکه یکسال ونیم است اینجا کار می کنم، هنوز بیمه نشده ام. حقیقت را بخواهید فقط حدود ده نفر بیمه هستند."

کارگر ۲۵ ساله ای گفت:

"ده سال سابقه کار دارم و ۱۶ ماه است اینجا کار می کنم. بیمه نیستیم و حق مسکن و حق اولاد نمی گیریم. فقط کسانی حق مسکن می گیرند که بیمه باشند و اکثر"

آوای کارگر

فریادمی زدیم که این شاه رفتی است. فریادمی زدند که سخت است و سهمگین! یاد دره آمدیم و به آخر رسید کار خورشید گرم شوق برآمد بهار شد کاری نبود در خور مردان کارزار!

سالی گذشت، چند پربانگ وقیل و قال آوای جفدها، شایان بوزخند امروز شیطان به جلد دلگت تکریت آمده است دستی بهم زبم گریزاز این بهشت باخون حماسه ای دگر آریم ماندگار!

گفتیم: این نبرد بود ضد آمریکا

گفتند: وای! ماراجز ضرر ثمری نیست زین مصاف اما شکست بکسرشان بیضه در کلاه آماده آمدیم به جنگ و سبک گذشت ماندیم و گشت سنگر آزادیگه پناه رفتند و سهو مانده همه بر کلاهشان!

سهل است، سهل، این همه بر اهل کار و رنج دشوارنه - مگر آن رزم آخرین از بهر ساختن آباد و استوار بی لکه ستم بی رنج و درد و غم ایران مستقل فردای کلفشان

جهان



طبقه کارگر ایران در افزایش تولید، ترمیم خسارات جنگ و دفاع در جبهه، پیشقدم است!

فرد و اجتماع ...

بقیه از صفحه ۳

می رود و کار از رنج به نیاز روحی بدل میگردد و حکومت ابتدا به دستگاه حاکمیت اکثریت جامعه و سپس به دستگاه حاکمیت همه جامعه سرانجام به دستگاه خودگردانی اجتماعی بدل میگردد و همه اشکال نابرابری اجتماعی از میان میرود. مادر باره، این نظام آتی انسانی، که باید همه بشریت را در زیر پرچم واحد انسانی خود گرد آورد، وارد بحث دامنه دار نمی شویم. در کشورهای سوسیالیستی حرکت تکاملی به سوی همین مقاصد عالی صورت می گیرد و نتیجه بدست آمده، حتی امروز بسی بر ارزش است. جامعه نو بخوبی میدانند که برابری اجتماعی اناسها، غیر از برابری روحی آنها است. جهان درونی اناسها همیشه گونه گون خواهد ماند. خود آگاهی فردی اناسها هرگز یکواخت نخواهد شد. ولی وقتی انسان قادر باشد آرمانهای انسانی خود را در عرصه جامعه عطی سازد، تضاد بین "جهان درونی" و "جهان برونی"، تضاد بین فرد و جامعه از میان میرود، بدون آنکه یکی دیگری را منته کند.

چنین است طرح مسئله فرد و اجتماع که با مراعات نهایت اجمال و سادگی در مارکسیسم، امید است خواستاران "رد" این مطلب آنرا با تفصیل لازم بررسی کنند و کار راه انتساب مستی خزعبلات من در آوردی نکنند. متأسفانه یک بحث ساده شده روزنامه ای، برای بیش از این اندازه، که آن هم باحتمال گفته شده، میدان سخن نمی دهد ولی امید است که همین اندک زرفای مطلب را در برابر کجکاوان بگسترند.

آثاری که در متن به آن اشاره رفته، چاپ اتحاد شوروی است. از کلیات مارکس و انگلس، چاپ دوم منظور است.



(پیام انقلاب، ارگان سپاه پاسداران شماره ۱۹-۱۷ آبان ۱۳۵۹)

کارگران می نویسند:

شرکت «مانا» نباید تعطیل شود

در گیلان رسیدگی نمی شود؟ قبل از پیروزی انقلاب مسئولین شرکت چون خانها در شرکت حاکم و حکم فرما بودند و آنچه فریاد حق طلبی از حلقوم ما و سایر کارگران بر میامد، با تهدید و اخراج و حرف های رکیک کارفرمای ظالم روبرو می شد و کارگران را با اردنگی و فحاشی از کار اخراج و از محوطه کارگاه بیرون می کردند و هیچ کس به حق ما رسیدگی نمی کرد، چون طاغوت و طاغوتیان حکم فرما بودند.

یکسال و اندی است که انقلاب کبیره رهبری امام خمینی به ثمر رسیده، خوشحال و سراپا شدیم که وقت آن رسیده مسئولین انقلاب و سایر رهبران و انقلابیون، که امروزه در صدر کار قرار گرفته اند، به فریاد ما کارگران محروم رسیدگی و جلوی اجافات مسئولین وقت را گرفته و به حساب مسئولین گذشته رسیدگی نمایند. در این مدت بحساب و کتاب هیچ کسی رسیدگی نشده، ولی بدبختانه کسی را مسئول کارگاه نمودند که خود فرزند یکی از بزرگترین فئودالهای معروف فومنات بود. مدت کوتاهی که ایشان مسئول کارگاه بود بیشترین اجفاف را به عده ای از کارکنان شرکت نمود. امروزه شرکت "مانا" در گیلان دارای پانصد نفر پرسنل می باشد، هر آن بیم آن می رود که تعطیل گردد و تمام کارگران، در این موقع حساس که در مملکت حکم فرماست، سرگردان گردند.

ما از مقامات مسئول انتظار داریم هر چه زودتر به وضع نابسامان شرکت ساختمانی مانا واقع در چوکای گیلان رسیدگی کنند.

مانا شرکتی است در چوکای گیلان که کارهای ساختمانی را انجام می دهد، ولی متأسفانه بعلمت ناسامانیهای بوجود آمده توسط مسئولین کارخانه، در حال تعطیل شدن است.

مدتی است حقوق و مزایای کارگران این شرکت طبق مقررات پرداخت نمی شود و این خود باعث اعتراض کارگران شده است. از طرف مسئولین نیز کوچکترین اقدامی در جهت رفع مشکلات صورت نمی گیرد. آن ها در جواب اعتراض کارگران می گویند:

"بودجه نداریم و پرسنل کارگاه زیاد است."

مدیر جدید کارخانه می گوید:

"این شرکت با توجه به ظرفیت کار، به حدود سی کارگر احتیاج دارد و به عده ای از کارگران، که در کارگاهها ساختمانی پیش ساخته کار می کنند، دیگر احتیاجی نیست."

در ارتباط با ناسامانیهای موجود در شرکت و اعمال غیر قانونی و ضد کارگری مدیر شرکت، عده ای از کارگران آن طی نامه ای که برای نامه مردم ارسال داشته اند، از مسئولین تقاضای رسیدگی به مشکلات شرکت را کرده اند. در این نامه چنین می خوانیم:

"جریده محترم نامه مردم زبان گویای محرومان و زحمتکشان، خواهشمند است آنچه در زیر نوشته شده و در دلد و فریاد کارکنان محروم و ستم دیده شرکت ساختمانی مانا واقع در چوکای گیلان است، در آن جریده محترم چاپ کنید، تا بگوش مقامات مربوط برسد."

چرا به وضع شرکت ساختمانی مانا که وابسته به سازمان گسترش است،

پاسخ مسئولین بهخواست دهقانان

بدنبال درج یک خبردهقانی در نامه "مردم" شماره ۳۴۸ مورخ ۵۹/۷/۱۲، تحت عنوان "کشا و رزان بعد از یکسال دوندگی موفق به گرفتن وام نشده اند" نامه‌ای با شماره ۵۹/۷/۲۲-۱۰۵۵/۴۰۱۴۰/۳۵۸ از طرف روابط عمومی بانک کشا و رزی به دفترنامه مردم ارسال گردیده است که ذیل درج می‌گردد.

"درمطلب عنوان شده است که ۹ نفر از شلتوک کاران روستای خم‌بابای کرمان از توابع مرودشت یکسال پیش تقاضای وام زه‌کشی نموده‌اند. لکن هنوز بانک کشا و رزی وام لازم را نپرداخته است در پاسخ به اطلاع میرساند زمانی که تقاضای وامی مورد قبول قرار نمی‌گیرد حتماً تابع مقررات نیست. چون درخواستهای وامی که شرایط لازم را حائز باشند در اسرع وقت مورد رسیدگی قرار گرفته و وام لازم پرداخت می‌شود. بطوریکه شعبه بانک کشا و رزی در شیراز طی ششماه اول سال جاری موفق گردیده است تعداد ۳۳۳ فقره وام برای مصارف مختلف کشا و رزی به مبلغ ۵۸۷/۵۶۹/۰۰۰ ریال مستقیماً به کشا و رزان پرداخت نماید و مبلغ ۲۵۷/۶۰۰/۰۰۰ ریال اعتبار ریز در اختیار ۱۴ شرکت تعاونی روستایی قرار گرفته تا به کشا و رزان عضو صورت وام‌های کوتاه مدت فصولی و جاری پرداخت نماید. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد بانک مرتباً سرگرم پرداخت وام است و چون متقاضی زیاد است به متقاضیان بر حسب حق تقدم نوبت داده می‌شود تا در صورت تعیین شده مراجعه و وام مورد نیاز را دریافت نمایند. شلتوک کاران مزبور نیز به شعبه بانک کشا و رزی در شیراز مراجعه نمایند تا چنانچه واجد شرایط باشند وام لازم در اختیارشان قرار گیرد."

نامه مردم - ضمن ابراز خوشوقتی از پاسخ‌دهی و توضیح پرداختهای وام اعتباری به شرکتهای تعاونی روستایی امید است مقامات مسئول با در نظر گرفتن نیازهای دهقانان و اقتضای کشا و رزی در پرداخت وام و اعتبار اصل مؤثر بودن آن در رشد و اعتلای کشا و رزی به پرداخت جمعی آن به شورای ده، نظارت بر استفاده از آن را در نظر داشته باشند. در مورد مقررات پرداخت وام ما تا کنون بدفعات نظر خود را اعلام کرده ایم و امیدواریم با تجدیدنظر کلی، در شرایط پرداخت وامهای کشا و رزی، تدابیر اصولی در جهت کمک به جهاد کشا و رزی و رشد و اعتلای تولید و تحکیم اشکال مترقی و انقلابی اقتصاد کشا و رزی انجام گیرد و طبق پیش‌بینی قانون اساسی، بخش تعاونی از این راه تحکیم شود. نامه "مردم" از توجه مقامات مسئول به خواستهای دهقانان تشکر می‌نماید و به دهقانان مزبور نیز یادآوری می‌کند که در این پاسخ از آنها دعوت شده به بانک مراجعه کنند.

چگونه...

بقیه از صفحه ۶

- * به تولید و گسترش موشکهای ضد بالستیک (ضد راکت) به پردازد.
- * برنامه تولید بمبافکهای استراتژیکی
- * سیستم پدافند ملی و ضد هوایی را تقویت کند.

در عین حال ریگان نظر خود را درباره ایجاد بلوک نظامی تازه‌ای از اسرائیل، مصر، عربستان سعودی و آمریکا، نظیر پیمان منحه سنتو، صریحاً اعلام داشته است. او طرفداری خود را از "کمک نظامی" به نیروهای ضد انقلابی در نقاط مختلف جهان، از جمله در افغانستان، در آنگولا، علیه نیکاراگوآ، علیه کوبا و غیره اظهار داشته است. او صریحاً به مخالفت با منع فروش اسلحه به رژیم فاشیستی آفریقای جنوبی برخاسته و وعده داده است که به تقویت نیروهای مسلح آن کمک کند. به همین منظور مشاورین ریگان پیش از ده‌دهد در افزایش بودجه نظامی سالیانه را طرح ریزی کرده‌اند.

دهقانان و عشایر فارس:

ما در عین حال که جلوه عراق ایستاده ایسم منتظر ایسم وضع بهداشت ما خوب شود

عراق که نو کرامریکاست به ما حمله کرده

علیرغم مشکلات ونابسامانیها و عدم امکانات در روستاهای استان فارس، روستایان و عشایر با تمام وجود آماده دفاع از زمین انقلابی و دستاوردهای انقلاب در مقابل هجوم رژیم مزدور صدام هستند. وضع بهداشت در روستاهای استان فارس بسیار نابسامان و اسفناک است نبودن امکانات اولیه زندگی، عدم وجود پزشک در مانگا و بهداشت نبودن و نبودن مشکلات فراوان را برای روستایان و عشایر بر آورده است.

حسن یکی از اهالی روستای کوهسرد - شگفت در این باره چنین می گوید: - آنجا ما اصلاحات نداریم و مریضا باید به شهر بیاوند - فاصله ما از شیراز ۱۵ فرسخ جاده خاکی است در شیراز هم دواگران است و گریمنی آید از دولت تقاضا داریم که جاده را تعمیر کنند. درمانگاه در محل بسازند که بسیاری از مریضا در محل آرنیون جاده و درمانگاه می میرند، اکثر روستایان این منطقه نهایت محلی به جبهه های جنگ فرستاده اند برای جنگ با صدام

عشایر زحمتکش اعلام همبستگی کرده اند و تمام اهالی حاضرند با آمریکا بجنگند. جوکار از زنگنه برود واقع در درواهی دشت ارژن میگوید: "جاده ده ما خراب و خاکی است و یک بهیاریم. مشکلاتمان زیاد است ولی به دولت فشار نمی‌آوریم چون که فعلاً باید توطئه‌ها را سرکوب کند. برای مقابله با عراق اعلام همبستگی کرده ایم و مقادیر زیادی نان محلی برای فرستادن به جبهه کمک کرده ایم. سیاه‌پاداران از عده‌ای از اهالی برای اعزام کرده

که جلوه عراق ایستاده ایم، منتظریم وضع بهداشت ما خوب شود و هیئت نفری به محل بیاید، اگر طوری زمین تقسیم شود که ما اسال زمین برای کشت داشته باشیم خوب است."

عشایر دهقانان با کمک های مستقیم و با کار روزانه خود همبستگی خویش را با رزمندگان ایران در جنگ علیه رژیم مزدور صدام اعلام کرده اند. آنها در انتظار هیئت های ۷ نفری و واگذاری زمین و همچنین رسیدگی هر چه زودتر به مسائل بهداشتی و درمانی می باشند.



می‌خواهد که در تقویت جبهه میهنی جنگ شریک باشد. او سرباز تمام‌صحنه‌های نبرد است. در جبهه و پشت جبهه... اینک سلاح او کشت و تولید بیشتر است. نهادهای دولتی و انقلابی با کمک به وی باید، لاجرم تیز و پرا سازند.

او دهقانی زحمتکش و معروم، از روستای قزل‌قاپه در ۲۴ کیلومتری شرق مشهد است.

در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مسوم است که هر نامردی راه رنگی شخص می‌کند. مثلا کندی را با رنگ آبی، ویا کارتر را با رنگ سبز شخص می‌کردند. پلاکاردهای ریگان را به ۳ رنگ قرمز، سفید و آبی، یعنی ۳ رنگی که در پرچم آمریکا وجود دارد، رنگ آمیزی کرده بودند. شعار انتخاباتی او هم این بود: "بگذار آمریکا باز به عظمت برسانیم!"

البته، این‌ها همه حقیقتاً نذر روح "وطن پرستی" یک "جمهوریخواه از مین ستریت" است، اما اگر تغییر واقعی و بی‌برگشت تاسب نیروها در سطح جهانی به نفع آزادی، صلح، سوسیالیسم و ترقی رادرنظر بگیریم، آنگاه بی‌شک با ارزیابی طنزآمیز سینکلر لوتیس از این گونه خرافات بیشتر شریک خواهیم شد.

رویارویی بزرگ مالکان بادهقانان و هیئت ۷ نفری

بزرگ مالکین انگل صفت استان اصفهان پس از اطلاع از اجراء شدن ماده (ج) قانون اصلاحات ارضی در محل هیئت واگذاری زمین استان اصفهان گرد آمده، در آنجا به اخلالگری پرداختند و در پایان سعی در بوجود آوردن درگیری با مسئولین هیئت واگذاری زمین را داشتند. بزرگ مالکینی که در این روز در آن محل جمع شده بودند، مدعی بودند که بر روی زمین مشغول "کشت" هستند، حال آنکه بگفته یکی از زارعین "دست اینان از شیشه مافتروا زنبه رنمتر و سفیدتر بود."

بزرگ مالکان گستاخی را بدانجا رساندند که در جلوی مجریان قانون هم خود مجریان را وهم قانون راه به باد فحاشی و تمسخر گرفته و کار راه آنجا رساندند که با یکی از اعضای گروه‌های تحقیق هیئت درگیر شدند. در ضمن به همان نسبت که این فتوایها گستاخ شده و بی پروا به قانون و قانون گذاران و مجریان قانون ناسزا می‌گفتند، دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین نیز از زبیرخی روستاهای تابعه اصفهان به محل هیئت آمده و برای اعلام پشتیبانی خود از قانون قصد تحصن و تظاهرات داشتند. اگرچه از طرفی در چهره برخی از مجریان صدیق قانون اطلاعات ارضی علامت سؤال دیده می‌شد، ولی در گوشه‌ای دیگری از اعضای گروه تحقیق، در مقابل بزرگ مالکان گفته: "تا زمانی که یک شرح طلب، یک مسلمان و یک آزاده در این کشور زنده اند، اجازه حاکمیت دوباره به شما نخواهند داد" و در پی این سخن، یکی از دهقانان ادامه داد: "گردنی که با خون مردم بیچاره ما کلفت کرده اید با بدباید پداغرشود و ما این کار را می‌کنیم."

تاخیر موقتی اجرای بند "ج" و باقیمانده زمینها در دست بزرگ مالکان نتیجه شرایط استثنائی و فشاری بود که اربابان به کمک لیبرالها و همه صدانقلابیون و جمعی روحانی نمای ضد خط امام بعمل آوردند و باعث تاسف همه انقلابیون شد. ولی بی‌شک این مسئله مهم لاینحل نخواهد ماند و آزادی رزوی حفظ بزرگ مالکی بردل اربابان و فتوایها خواهد ماند. دهقانان حق مسلم خود را می‌طلبند و انقلاب مستضعفین - بگفته امام - این مسئله را حتماً حل خواهد کرد. هشیاری دهقانان نشانه‌ای است از بیسوداری و آگاهی زحمتکش روستاها. آنها تسلیم اربابان و لیبرالها نخواهند شد. علامت سؤال با یاد از چهره انقلابیون صدیق مجری قانون زدوده شود و قاعده مانع از آنها حمایت گردد. این داستان زنبه رنمتر و سفیدتر "بزرگ مالکان می‌خواهند بر گردن انقلاب شمشیر از فولاد برنده تیر بگذارند. این گردنهای کلفت شده از خون مردم می‌خواهند بساط طاغوت و امپریالیسم را بازگردانند. ولی به درستی، آن عضو هیئت به ارباب گفت که "مادیرا اجازه مالکیت دوباره به شما نخواهیم داد." این خدمت بزرگی به انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی ایران است.

پیشنهاد هیئت ارضی
به مسئولین هیئت ارضی و
دهقانان زحمتکش
تسهیل و تسهیل‌های
دهقانان افروخته
به تسهیل مستضعفین
هر اجتماع کنید
و دستورهای آنها
همه‌ای سازند

چگونه میلیاردرهای امریکائی ریگان را به ریاست جمهوری رساندند



نماینده میلیاردرهای امریکا در کاخ سفید

داشت تا برای همه معضلات جهان راه حل ساده ای پیدا کند. به همین منظور نیز سبب همه ناسامانی‌ها را در وجود اتحاد شوروی خلاصه می‌کرد و می‌گفت: "بگذار خودمان را گول نزنیم. در پس همه آشوب‌ها اتحاد شوروی قرار دارد!" این اظهارات او حتی مفسرین امریکائی را نیز تکران می‌کند، زیرا آنها معتقدند که قضاوت‌های نادرست می‌تواند اعمال فاجعه‌آفرینی را هم در پی داشته باشد.



اجراکننده برنامه جنرال الکتریک تئاتر

داشته باشد. هنگامی که روزنامه‌نگاران از او پرسیدند که آیا نمی‌خواهد کشور را به دوران "جنگ سرد" برگرداند، در جواب با تعجب سؤال کرد: "مگر جنگ سرد هیچوقت به پایان رسیده بود؟"

نردبان ارتقا به مقامات سیاسی را "ژنرال الکتریک" و "میلیون‌های کالیفرنیا زرباره هنرپیشه سابق گذاشتند. اما امروز او به بزرگترین سرمایه‌داران میلیاردر امریکائی مکی است. از ۵۰ مدیر



همکار پاری گلدواتر

بزرگترین مجتمع‌های نظامی-صنعتی امریکا، که در جریان انتخابات ریاست جمهوری مورد پرسش روزنامه "وال استریت جورنال" واقع شده بودند، فقط ۷ نفر به سودکارت اظهار عقیده کرده بودند. بدین ترتیب، سبب "پیروزی" ریگان در انتخابات دموکراتیک و آزاد امریکا! به خوبی آشکار میشود. طبق حساب اقتصاددانان امریکا، پیشنهادهای ریگان تنها درباره تغییر میزان مالیات‌ها برای خزانه دولتی ۲۰۰ میلیارد دلار تمام خواهد شد. و بازم طبق حساب اقتصاددانان امریکا، برای اجرای نقشه نظامی کردن اقتصاد که ریگان زیر عنوان "صلح از طریق زور" می‌خواهد پیاده کند، متجاوز از ۲۰۰ میلیارد دلار به صندوق مجتمع‌های نظامی - صنعتی ریخته خواهد شد. به همین منظور است که ریگان می‌خواهد در واقع دوره تازه‌ای از مسابقه تسلیحاتی را طرح ریزی کند. یعنی:

- تهیه راکت‌های دوربروز (بین فاره‌ای) ام. ایکس و تولید موشک‌های بالدار را تسریع کند.
- تولید راکت‌های "می-تی-۳" (بجای آنها موشک‌های ام. ایکس در نظر گرفته شده بود) را

جمهور منتخب امریکا است

ریگان دوست دارد خودش را "جمهوریخواهی از مین ستوتیت" بنامد. برای امریکائی‌ها در پس این یک کلمه شیوه کاملی از زندگی نهفته است. "مین ستوتیت" (بزرگراه) در هر یک از شهرهای کوچک امریکا وجود دارد و معمولا از این سر تا آن سر شهر ادامه می‌یابد. موسسات شهری، کلیساها، مغازه‌ها، مهمانخانه‌ها و غیره در این خیابان قرار دارند. تلاش‌ها و کوشش‌های روزانه شهروندان با این خیابان در ارتباط است. سینکلر لوئیس نویسنده امریکائی، در زمان طنز آمیزی که به همین نام نوشته، "مین ستوتیت" را "قلعه تمدن امریکائی ایالتی" نامیده است. در اینجا است که خرافات را تادرجه آداب و رسوم و سنن ملی بالا می‌برند. "وطن پرستان" که شیفته "تکان دادن پرچم امریکا" هستند، اینجا است که هم خود را مصروف حفظ دنیای حقیر، محدود و کهنه خود می‌کنند. در اینجا به چیز-های تازه، اشخاص جدید و عقاید نو با سوطن‌شدیدی برخورد می‌کنند.

ریگان در چنین محیط شهرهای کوچک بخش وسطای باختر امریکا بدنیا آمده است. یکی از نخستین زندگی‌نامه‌نویسانش هیچ‌شکی در تاثیر این محیط در جهان بینی او ندارد. او می‌نویسد:



هنرپیشه سینما

"اگر لوئیس در زمان خود مقررات اجتماعی بخش وسطای باختر امریکا را استهزا می‌کند، ریگان بکس، این قواعد را سخت می‌ستاید. او از شایسته‌ترین راکه لوئیس در زمان خود انتقاد می‌کند، ریگان با شوق فراوان می‌پذیرد. سوداگری مورد احترام عمیق ریگان است. او سخت محافظه‌کار است و بهر تحولی با سوطن‌مینگرند. روشنفکر نیست و به تحمیلات عالی اعتمادی ندارد. " مدرسه ابتدایی و کالج فقط حافظه به او کمک می‌کرد، تا کمترین وقت را به دروس و بیشترین اوقات را به فوتیال اختصاص دهد. استاد اقتصاد در کالج گله می‌کرد که:

"من میدانم رونالد کتاب‌ها را بازمی‌کند، اما در امتحانات موفق می‌شود." خود ریگان می‌گوید: "من دیگر آن چیزهایی که خوشم می‌آید، نمی‌خوانم. کتاب‌ها را، نانس (همسر او) می‌خواند و برایم تعریف می‌کند."

یکی از همکارانش می‌گوید: "در کتابخانه ریگان کتاب‌هایی که فقط برای تزئین چیده شده، پر از گرد و خاک است. مجله‌ای که او نگاه می‌کند "هیومن ایونتنس" است، که امریکائی‌ها آن را "انجیل جناح راست جمهوریخواهان" می‌نامند. در هر حال، پس از اتمام کالج، ریگان پیشه خبرنگار را دیسو در مسابقات فوتیال را برای خود انتخاب کرد. پس از چند سال در زادگاه خود، شهر ایلینویس،



شاهد در "کمیسون پیگرد فعالیت ضد امریکائی"

شهرت پیدا کرد. در سال ۱۹۳۷ به کمک یکی از آشنا پانش در یک فیلمبرداری آزمایشی شرکت سینمایی "وارنر برادرز" شرکت کرد. البته، پذیرش به کار در شرکت فیلمبرداری، سروری مافوق انتظار در برداشت، زیرا، اگر مین ستوتیت "قله تمدن امریکائی" است، هولیوود نیز مرکز فرهنگ توده‌های امریکا شده می‌شود. ریگان در پیش از ۵۰ فیلم به ایفای نقش‌های مختلفی پرداخت، اما شهرت چندانی بدست نیآورد. به ارزیابی نقادین، او "هنرپیشه‌ای بود صلاحیت دار، اما با کفایت محدود". از این رو نیز در هولیوود بیشتر از لحاظ فعالیت اداری شهرت یافت و ۶ مرتبه به صدارت انجمن صنفی هنرپیشگان سینما انتخاب شد. پرشورترین دوره فعالیت سینمایی او مصادف با دوره

مجله عصر جدید، چاپ اتحاد شوروی، در شماره ۲۸ خود، مورخ ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۰ طی یک بررسی جالب نشان داده است که چگونه میلیاردرهای امریکائی، ریگان را از مفسر ورزشی و هنرپیشگی سینما و میلغ اکبری‌های تجارتی به ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا رساندند. خلاصه‌ای از این مقاله در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد.

در کالیفرنیا گروهی سرمایه‌دار زندگی می‌کنند، که نه تنها منافع اقتصادی، بلکه عقاید سیاسی نیز آنها را بهم پیوند داده است: هولمس تاتل (دلال عمده فروشی اتومبیل با ثروت چندین میلیون) هانری سالواتوری (صاحب صنایع نفت از لوس آنجلس) ژوستین دات (رئیس شرکت "صنایع دارت") ویلیام ویلسون (که به امور ساختمانی می‌پردازد).

روزی تاتل گله می‌کرد که: "معمولا ما را "مشتری راست‌گرا" می‌نامند. من از این کلمه سخت متنفرم، ما اصلا راست‌گرا نیستیم!" وی برای اثبات این ادعایش می‌گفت: "آخر من و نه دوستانم، با نظرات فاشیستی اعضای "جمعیت جون برچ" موافق نیستیم!" عقاید سیاسی این گروه را می‌توان در یک جمله از اظهارات تاتل خلاصه کرد: "هراس از این که می‌آید امریکا به سوی سوسیالیسم برود."

همین هراس بود که در سال ۱۹۶۴ این "مشتری راست‌گرا" راژرد باری گلدواتر (سناتور ایالت آریزونا، که به لیدری "عقابها" و "هارها" جناح راست جمهوریخواهان شهرت دارد) متحد ساخت. با وجود کسرس و بیماری، گلدواتر در آن زمان در کنگره جمهوریخواهان در تروتیت نطقی ایراد کرد. اما شکست سخت او در مبارزه انتخاباتی سبب انشعاب عمیقی در حزب شد و ظاهرا نظر منفی انتخاب کنندگان را نسبت به او و هوادارانش نشان داد. به همین سبب نیز باید گفت که تلاش تاتل برای نجات از لقب "راست‌گرا" کاملا قابل فهم است، اما این بهیچوجه بدان معنا نیست که او دوستانش در راست‌گرایی خود واقعا تغییریری داده باشند.

در آستانه همان انتخابات بود که سالواتوری و تاتل از هنرپیشه سابق رونالد ریگان دعوت کردند، تا در نهاری که برای جمع آوری هزینه انتخابات گلدواتر ترتیب داده بودند، صحبت کند. ریگان وظیفه خود را به نحو احسن انجام داد و خطابه پر حرارتی ایراد کرد. بعد در کنگره جمهوریخواهان سخنرانی کرد و با استقبال رشور هواداران گلدواتر روبرو شد. لذا به



مفسر ورزشی

سفر تبلیغاتی برای این نامزد جمهوریخواهان فرستاده شد...

همین پیشینه بود که سبب شد سال بعد، هنگام انتخابات استاندار کالیفرنیا، که تاتل به دیدار دوستش سالواتور و رئیس شرکت نفت "یونیون اویل" روئیل، رفته بود، پیشنهاد کرد: "دوستان، گمان می‌کنم ما نامزد استانداری داریم. نظرتان درباره "رونا" چیست؟"

مذاکرات چندان به درازا کشید و تاتل عازم منزل ریگان شد. "من به دوستان گفتم که اگر تو نامزدی خود را اعلام کنی، ما هزینه انتخابات را تامین خواهیم کرد" ستاد انتخاباتی مستقیما در بنای شرکت نفت (یونیون اویل)، در بخش تجارتی شهر لوس آنجلس تشکیل شد. هرچه سیل دلارهای موعود بالا می‌گرفت، در دستگاه هم وسیع تر می‌شد. دوستان میلیونر در پیروزی شک نداشتند. اما خیلی‌ها با تردید به این امر نگاه می‌کردند: هنرپیشه دیروزی در پست استانداری، آهیم در برج‌میت‌ترین و صنعتی‌ترین ایالت امریکا؟! هوادار از کجا پیدا می‌شود؟ چه پایگاه اجتماعی-سیاسی دارد؟ تجربه اداری از کجا می‌آورد؟...

ولی سلسله مقالاتی که پیرو سرور روزنامه نگار مشهور واشنگتن درباره نقلیات فاحش در بهای لیبیات علیه رقیب ریگان در انتخابات (شهردار سان-فرانسیسکو) در بحبوحه انتخابات نوشت، به ریگان کمک کرد (گرچه مقصد پیروسون رسوا کردن شهرداره خاطر نامزد دموکرات‌ها بود نه ریگان).

در هر حال، صفات نامهار به مناسبت پیروزی ریگان در انتخابات ایالتی تشکیل شد. در این مجلس ضیافت، سالواتوری، صاحب صنایع نفت از لوس آنجلس، جام خود را به سلامتی "رئیس جمهور آتی ایالات متحده امریکا" بلند کرد. امروز ریگان رئیس

پیام سازمان جوانان توده ایران به: اتحادیه جوانان انقلابی خلق لائوس به مناسبت نهمین سالگرد انقلاب لائوس!

رفقای عزیز! پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب لائوس را از سوی جوانان انقلابی ایران و همه اعضا و هواداران سازمان جوانان حزب توده ایران به شما، مردم و جوانان لائوس تبریک می گویم. انقلاب لائوس، در روند تحولات انقلابی که در دوران اخیر در نقاط مختلف جهان انجام گرفته، از اهمیت ویژه برخوردار است. حزب انقلابی خلق لائوس با تکیه بر تجربیات مبارزاتی خویش توانست رهبری انقلاب پیروزنده کشور را به دست گیرد و به دوران ساختمان سوسیالیسم رهمنون کند. حزب انقلابی خلق لائوس، به عنوان یکی از وارثین حزب کمونیست هندوچین، تجارب ارزنده کمونیستها و دیکراتهای انقلابی هندوچین را چراغ راه خود قرار داد و از همین رو به موفقیت های عظیمی در مبارزه با امپریالیسم پسرکزدگی امپریالیسم آمریکا، و بنای جامعه نوین فائول آمده است.

پیروزی انقلاب لائوس به همراه پیروزی انقلاب در ویتنام و کامبوجیا به سلطه امپریالیسم آمریکا در منطقه هندوچین پایان بخشید و تناسب نیروها را در منطقه و جهان به سود نیروهای هوادار دموکراسی، صلح و سوسیالیسم تغییر داد. این پیروزی راه رشد مستقل متری این کشورها را فراهم آورد و مواضع نیروهای ارتجاعی را تضعیف کرد. امروز مردم ما به خوبی آگاهند که امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با برتری طلبان یکن، بسا توطئه و توسل به اقدامات ماجراجویانه از قبیل مسلح کردن باند های ضد انقلابی در کشور و با شانتاژ نظامی می کوشند روند انقلابی را در لائوس دچار وقفه سازند. اما رهبری خردمندانه انقلابی خلق لائوس، هوشیاری و یکپارچگی جوانان و دانشجویان و همه مردم لائوس، توطئه ها و ماجراجویی های دشمنان پیشرفت اجتماعی را با شکست رو برور کرده است.

جوانان لائوس، که در دوران مبارزه علیه امپریالیسم رژیم سلطنتی با دلاروی و از خودگذشتگی در صف مقدم مبارزه جای داشتند، اینک نیز در دوران ساختمان جامعه نوین، وظیفه دشوار و افتخار آفرین بازسازی و توسعه اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی کشور خود را به انجام می رسانند.

چنانکه می دانید پیش از دوام از تجاوز نظامی رژیم ضد خلقی عراق به زمین انقلابی ما می گذرد، این تجاوز نظامی، که به پیمان پوچ دعای ارضی عراق علیه ایران صورت گرفته، در واقع بخشی از توطئه های امپریالیسم جهانی، پسرکردگی امپریالیسم جاپیتیکار آمریکا، برای براندازی جمهوری اسلامی ایران است. انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی ایران به سلطه سلطنتی امپریالیسم آمریکا بر ایران پایان بخشید. از همین رو امپریالیسم آمریکا می کوشد از راه محاسبات اقتصادی، شانتاژ نظامی، توطئه کودتا و بالاخره جنگ آفریزی، انقلاب ایران را به شکست بکشاند. اما خلق ما با معرزه جنگ آفریزی، آخرین خیزش بقایای نفوذ امپریالیسم در کشور به مبارزه عادلانه خود ادامه دهد.

در یکپار افتخار آفرین با امپریالیسم آمریکا و مزدوران رژیم سدام، جوانان و دانشجویان انقلابی و میهن دوست، و از جمله اعضا و هواداران سازمان ما، شرکت فعال دارند. مبارزه دلاورانه خلق های هندوچین با امپریالیسم آمریکا الهام بخش رزمندگان، جوانان و دانشجویان و همه مردم انقلابی ایران است. فرخنده باد پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب لائوس! زنده باد همبستگی بین المللی جوانان و دانشجویان در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع!

سازمان جوانان توده ایران ۱۳۵۹/۹/۱۰

اجلاس ۷ کشور

بقیه از صفحه ۱ مناسبت با همه کشورهای براساس استقلال، حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، سرفنظ از نظام اجتماعی، آدا خواهند کرد. رهبران کشورهای عضو پیمان ورشو در مراحل اولیه کنفرانس مادرید انتقاد کردند و اظهار امیدواری نمودند که این اجلاس چشم اندازهای نوینی در راه اجرای موافقت نامه های هلسینکی بوجود آورد.

شرکت کنندگان در کنفرانس یادآور شدند که اوضاع جهانی همچنان متشنج است، سابقه تسلیحاتی بگونه های خطرناک افزایش می یابد، کانوپی های مقابله نظامی و تشنج در نقاط مختلف جهان وجود دارد و ستیزه های جدید سر بلند می کند. این اوضاع مراقبت های روز افزون درباره گرایش های تجاوزکارانه امپریالیستی و مقاصد ارتجاعی در زمینه آسیبرساندن به کشور های سوسیالیستی، کشورهای در حال رشد و جنبش رهایی بخش ملی را ایجاد می کند.

کشورهای عضو پیمان ورشو، عزم راسخ خود را برای تحکیم هر چه بیشتر وحدت کشورهای عضو، براساس مارکسیسم و همبستگی اترانسوونالیستی و همکاری براساس برابری حقوق، اعلام کردند. شرکت کنندگان در کنفرانس ابراز اطمینان کردند که اقدامات هماهنگ کشورهای دوستدار صلح، امنیت و همکاری بین المللی،

قطعنامه مردم اصفهان در حمایت از روحانیت مبارز به رهبری امام خمینی

هزاران نفر از مردم اصفهان، روز جمعه گذشته، در یک راه پیمایی عظیم شرکت کردند و در حالی که تصاویر امام خمینی، آیت الله منتظری و محمدعلی رجایی را در دست داشتند، در میدان امام گرد آمدند. در این مراسم حاجت الاسلام خلتلی، طس سخنان میسولس، ضمن برشمردن توطئه های امریکابرای جدائی روحانیات از مردم، به سخنان بعضی از بازخوردهای هفته اخیر اشاره کرد و از مردم خواست که ضمن پیداری و هوشیاری در برابر توطئه های دشمن، هاندن دوران انقلاب، وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کنند. در پایان سخنان حاجت الاسلام خلتلی، در حالی که میدان امام مملو از جمعیت بود، قطعنامه ای در ۱۰ ماده شرح زیر به تصویب رسید:

۱- مردم اصفهان که در دوران انقلاب، نخستین حکومت نظامی را در شهر خود بوجود آوردند و پس از انقلاب نیز بیشترین آمار داشته اند، بی تردید و ناگسستی خود را با نایب امام زمان (ع) رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی و ولایت فقیه اعلام می دارند.

۲- ما از روحانیت مبارز و متعهد، که همواره در طول تاریخ پرافتخار اسلام، پاسدار کتب و قرآن و امتداددهنده جریان انحرافی امریکایی به ساخت مقدساتان هستند، استحقاقیت بیدریغ خود را ابراز می داریم. مردم اصفهان با تقدیر و تقدیس فرآوردن از کمک رسانهای پیوسته برادران و خواهران مسلمان به جبهه های جنگ حمایت یکپارچه خود را از فداکارها و جانبازیهای رزمندگان خط مقدم جبهه، نیروی هوایی، نیروی زمینی، هوایروز، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، سازمان بسیج مستضعفین، ژاندارمری، شهربانی و داوطلبان قهرمان اعلام می دارند.

۳- ما با تأکید بر وحدت و یکپارچگی ملت، تفرقه پنداری خود را از هرگونه تفرقه اندازی و سردمداران خط نفاق ابراز کرده و جریانات اخیر مشهد و تهران می تواند تضمین کند که گرایش عمده در صحنه جهانی، گرایش ساختن سوسیالیسم کمونیسم در کشورهای خود به تبادل نظر پرداختن و از همکاری هر چه بیشتر اقتصادی، علمی و تکنولوژیک حمایت کردند و هماهنگی طرح ها در زمینه پیشبرد ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم و ارتقاء هر چه بیشتر سطح زندگی ملت های عضو پیمان ورشو را مورد تأکید قرار دادند.

نمایندگان حزب متحد کارگری لهستان، اعضا دیگر پیمان ورشو را در جریان اوضاع کشور و پلنوم اخیر کمیته مرکزی حزب خود قرار دادند. کشورهای شرکت کنندگان ابراز اطمینان کردند که کمونیستها، طبقه کارگر و همه زحمتکشان لهستان می توانند با همکاری کونی مقابله کنند. بر مشکلات بیروز شوند و تحول هر چه بیشتر لهستان را بعنوان یک کشور سوسیالیستی تأمین کنند.

اجلاس مسکو تأکید کرد که لهستان سوسیالیستی، حزب متحد کارگری و مردم آن می تواند بر روی همبستگی برادرانه و حمایت دیگر کشورهای پیمان ورشو حساب کند. نمایندگان حزب متحد کارگری لهستان تأکید کردند که لهستان یک کشور سوسیالیستی بوده، هست و خواهد بود و لهستان همواره بعنوان یک حلقه نیرومند در خانواده کشورهای سوسیالیستی باقی خواهد ماند.

سخت گیری... بقیه از صفحه ۱ آن توسط امپریالیسم آمریکا و کساندن آن به راه مورد نظری آسان بنظر می رسد، با چنین سیاست خارجی که تلاطم های آن مشاهده میشود، پیشک شکست ناپذیر خواهد بود، و به همین دلیل است که چنین دشمنان را از زورده و بخش آورده است.

رادیو اوبسی، جاپیتیکازاری مزدوران سرشناس امپریالیسم آمریکا، که از چنین گرایشی، تکران و خشمگین است، با زبان اوباشانه خود می گوید: «براستی نیز که رژیم ترور و اختسائ ملایان، از رژیم های ترور و سوری و لیبی و آبرو- باحتگان بین المللی چون حافظ اسد و قذافی باید حمایت کنند» (از برنامه ۳ آذرماه ۵۹) رادیو اوبسی، سپس به ماجرای روبرود شدن امام موسی صدر، که توسط عمال سیویلیتی انجام شد، برای تیره کردن روابط جمهوری اسلامی ایران با لیبی انقلابی، به پای لیبی نوشته شد، اشاره می کند و می گوید: «مگر این قذافی همان نیست که رادیو موسی بعنوان جنایتکار و قاتل خمینی صدر از او سخن می گفت؟ مگر همان ماجراجوی مسلمان کثی نیست که از برقراری روابط سیاسی با دولت اوامها خودداری می کردید و می گفتید تحویل موسی صدر شرط اول

امام خمینی: بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران

امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران در دیدار دیروز خود با گروهی از پاسداران انقلاب اسلامی، بابت همیشه بر وحدت تکیه کردند و از جمله گفتند: «ما هم اختلاف نکنیم، دشمن میخواهد که بین این گروه های مجتهد برای چند اختلاف بیاندازد. ارتش را از سپاه پاسداران جدا کند، سپاه پاسداران را از آنها جدا کند...»

این تکلیفی است برای همه جوانان ایران و برای همه ملت که در یک چنین وقت حساس اختلاف نکنند و اختلاف ایجاد نکنند. خدای نخواست با اختلاف تمام این کشور از دست بیرون دهد جوانهای ما با باز آن حال که در سابق بودند، خدای نخواسته مبتلا می شوند. کوشش کنید در اینکه با هم همه برادر باشید. امروز هم ارتش ایران و هم ژاندارمری ایران و هم سایر قوای مسلحه و هم شما برادران همه تان در زیر بیرق اسلام هستید و برادر یابید باشند...

اهل بیان هستند کوشش کنند که مردم را دعوت به وحدت بکنند، مردم را دعوت به جهاد بکنند. اگر خدای نخواست از قلمی، از زبانی چیزی بیرون یابید که موجب تشنج بشود، جرمی است نابخشودنی پیش خدای تبارک و تعالی. همه اهل این کشور هستند و میخواهد کشورتان را حفظ کنید، اختلاف نپايدستنان. کوشش به اختصاصی که ایجاد اختلاف می کنند لا لاید و همه همصدا با هم توجه کنید به خدای تبارک و تعالی. قدرتهای بزرگ که مایوس شده اند از اینکه با جنگ و با حمله نظامی بتوانند کاری بکنند، دست به شیفته زده اند و میخواهند شما را از هم جدا کنند و اختلاف بین شما بیاندازند. بیدار باشید، ملت ما بیدار باشد. توجه داشته باشند که هر گوینده ای که بخواند ایچان اختلاف بکند، هر گوینده ای که بخواند روحانیون را ضعیف بکند، نظر به روحانیون تنها نیست. آنها را تعریف میکند، دنبال شما هستند. آنها می خواهند که هر چه به این مملکت بکنند و همه چیز این مملکت را ببرند و کسی نماند که تعرضی بکنند یک مقاله ای بکنند...

توضیح- قطعنامه فوق را ما عینا از روزنامه های «جمهوری اسلامی» و «دیکپان» نقل کرده ایم. اما بنظر می رسد که در ماه دوم آن جمله ای از قلم افتاده باشد.

برقراری رابطه است... آری، زمانی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران بهت لیبی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، باز هم بهت لیبی را، به بهانه در بودن امام موسی صدر، از نزدیکی جمهوری اسلامی ایران به لیبی انقلابی منامت می کردند و تمخ خصومت علیه این متحد و پشتیبان یکدیگر انقلاب ایران می پرانند. اما دیگر آن دوران گذشته است و جمهوری اسلامی ایران دیگر قصد ندارد با در راهی بگذارد که جاپیتیکارانی چون اوبسی، آنرا تأیید و تحسین کنند.

رادیو اوبسی پارسی دیگری هم دارد. او مدافع سیاست «نه شرقی، نه غربی» سبک ماوئیستیا و بیرون خط بزرگنسی است. رادیو صد انقلاب میگوید: «رژیم ملایان به پیروی از سیاست «نه شرقی، نه غربی»... دست حافظ اسد را بعنوان همدست خود می فشد، که او از دست- پروردگانش مسکو (!) و مجری سیاست توسعه طلبانه کرملین در خاورمیانه است!»

مائوئیستهای ضد انقلابی گروهک رنجبران نیز از این تحولات ناراضی و خشمگین اند. آنها حرف رادیو اوبسی را تکرار می کنند و مترضانه می گویند: «اگر معیار تکیه و تعیین دوستان و دشمنان ایران باید بر مبنای اصل استقلال و سیاست «نه شرقی، نه غربی» باشد، آنوقت چگونه کشورهای «جبهه پایداری» بسا تعاملات و وابستگی

های متفاوت به ابر قدرت روسیه، در صف کشورهای «مترقی» قرار می گیرند و کشورهای دیگر، که همان تعاملات و وابستگی را بر درجات مختلف با ابر قدرت آمریکا دارند، تبدیل به کشورهای «ارتجاعی» میگردند!» (زنجیر، ۱۱ آذرماه ۵۹) مائوئیستهای بیگار نیز خشم خود را از این تحول مثبت و نجات بخش در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بسا دشنامگویی به سوریه انقلابی بیان می دارند.

موج اعتراض به قتل رهبران انقلابی السالوادور این کشور را فرا گرفته است

تشیع جنازه ۶ تن از رهبران گروه های چپ مبارز السالوادور، که بوسیله تروریستهای دست راستی به قتل رسیدند، باشکوه

چرا رادیو بغداد حزب توده ایران را هدف گرفته است؟

رادیو بغداد، زبان حال حکومت پشی سدام، رژیم سرکوبگر خلق عراق، که در همکاری با امپریالیسم امریکا، خاک میهن ما را مورد تجاوزات امریمانه نظامی قرار داده است، با خشم ناشی از نقشی که حزب توده ایران در افضاء توطئه های رژیم سدام بازی کرده و میکند، آتش حمله تبلیغاتی آمیخته با دروغ و دشنام و بهتان خود را متوجه حزب توده ایران کرده است. رادیو بغداد که روحانیت مبارز برهبری امام خمینی را هم هدف گرفته است، میکوشد بین حزب توده ایران و مسلمانان انقلابی نفاق افکنی کند. و این یک حادثه تصادفی نیست.

تمام دشمنان انقلابی رهایی بخش و جنبش های انقلابی و دولت های انقلابی، در همه جا و در همه وقت، در تلاش خود برای درهم شکستن این انقلابها و این جنبشها و این دولتها همواره تبلیغات ضد کمونیستی را بکار گرفته اند و میکوبند. این تبلیغات ضد انقلابی، بویژه زمانی که امپریالیسم و ارتجاع در نیل به هدفهای خود ناکام میشوند، اوج میگیرد.

شیطان بزرگ و شیطانهای کوچک که هدف اصلی خود را نابودی انقلاب ایران و براندازی جمهوری اسلامی ایران قرار داده اند، برای مشرب ساختن افکار عمومی خلقهای ستم کش و انقلابی در شناخت دوستان و دشمنان خود و در نتیجه مکارف ساختن جنبش انقلابی و انقلاب، همه نیروی خود را بکار می برند. کارآفرین حربه آنها در این زمینه آتی کمونیسم و نفاق افکنی بین کمونیستها و سایر نیرو های انقلابی است.

افتخاری حزب توده ایران درباره رژیم جنایتکار سدام، حضور فرزندان رشید و فداکار حزب توده ایران، این یاران وفادار انقلاب، در کنار مسلمانان انقلابی در صف مقدم جنگ تجاروی رژیم سدام علیه ایران، دل رژیم پشی سدام را سخت بدتر آورده است، لذا خشم و نفرت رادیو بغداد علیه حزب توده ایران قابل فهم است و برای حزب توده ایران موجب افتخار.

در اینجا نمیتوان این واقعیت را هم ندیده گرفت که همزمان با تشدید حملات رادیو بغداد علیه حزب توده ایران، محافل لیبیالی و مائوئیستی هم تبلیغات ضد توده های خود را تشدید کرده اند. این همزمانی و همزمانی با رادیو بغداد - که از معرفی بی نیاز است نباید برای لیبیا و مائوئیستها افتخار آمیز باشد، بعکس، این همزمانی و همزمانی نشان میدهد که لیبیا و مائوئیستها در چه سراسیمهیی به پیش میروند.

در همانحال حملات رادیو بغداد علیه حزب توده ایران، باید برای افراد، گروهها و روزنامه های هوادار انقلاب، که گاه و بیگاه در دام تبلیغات ضد توده ای می افتند، هشدار مجددی باشد. آری، سخن دشمن شادکن، باید ما را هشدار کند و از هزلهایی با دشمن بازدارد.

بخش هایی از... بقیه از صفحه ۱

آمد. در مقابل، دشمن مناطق مسکونی آبادان را. مورد حمله توطیه های دروزن خود قرار داد که منجر به زخمی شدن عده ای از مردم میهنمان شد.

خبرگزاری خیر گزار یارسی نیز از کرمانشاه گزارش داد: بعد از ظهر پیرروز (جمعه) در جریان نبرد شدید ذله زرد سوسار رزمندگان جمهوری اسلامی ایران ضربات شدیدی به دشمن وارد کردند. در این نبرد یک پرسنل ژاندارمری شهید و ۳ تن مجروح شدند.

خبرگزاری پارسی به نقل از ستاد عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی غرب کشور مستقر در کرمانشاه گزارش داد: برادران پاسدار در عملیاتی در منطقه کنجان چم ضربات سنگینی به مزدوران متجاوز وارد ساختند. بر اثر آتش خمپاره پاسداران، یک موضع موشک انداز و تعدادی از سترک های دشمن یکلی نابود و ۱۵ نفر از دشمنان انقلاب به هلاکت رسیدند.

خبرگزاری پارسی در گزارش دیگری به نقل از سپاه پاسداران غرب کشور گزارش داد: روز گذشته (جمعه) در سرول ذهاب عده ای از مزدوران سدام به هلاکت رسیدند و چند تن از نیروهای دشمن دستگیر و مقداری سلاح و مهمات غنیمت گرفته شد. ضمنا در این درگیری ۲ تن از برادران ارتسی به شهادت رسیدند.

به گزارش خبرنگار انزامی ارتفاعات منطقه مرزی مهران که در اشغال مزدوران متجاوز بود، طی روز گذشته (۱۳ و ۱۴ آذر) توسط مدافعان انقلاب پاکسازی شدند. براساس این گزارش در نبرد مناطق جنگی ایلام ۴ نفر از مدافعان انقلاب به شهادت رسیدند و ۱۰ نفر مجروح شدند.

رژیم مزدور همچنین در آستانه برگزاری این مراسم، مقررات حالت فوق العاده در کشور را برای یک ماه دیگر تمدید کرد. نظاره کنندگان برای جلوگیری از افزایش اقدامات تروریستی جاپیتیکاران دست راستی، برنامه راهپیمایی را لغو و در مقابل کلیسای بزرگ شهر اجتماع کردند.

فراران و با شرکت سدها هزار تن در سان سالوادور برگزار شد. رژیم دست نشانده السالوادور مقررات شدید حکومت نظامی را به منظور جلوگیری از تظاهرات برقرار کرد و واحدهای نظامی و پلیس نقاط حساس شهر را اشغال کردند. هلیکوپترهای نظامی نیز بر فراز شهر پهروز در آمدند.

توجه!

مقالات زیر، که در روزهای گذشته در نامه «مردم» بچاپ رسید، برای مطالعه ویژه رفقا توصیه میشود: * پاسخ به يك دوست مسلمان (شماره ۳۸۰، از «پرسش و پاسخ») * شیطان بزرگ - آمریکا، در برابر ماست، متحد بشویم! (شماره ۳۸۷).

کدام مالی به حزب توده ایران يك وظیفه انقلابی است

خانم پری يك حلقه انگشتری طلا بمناسبت عروسی ۲۰۲، يك نیم سکه طلا چنگیر از کرمانشاه ۲۰۰۰ ریال جمشید، ۱۶۰۰۰۰ ریال از دانشکده علوم اجتماعی يك انگو، يك انگشتری، يك سکه رومی سازمان حزب در بهشهر ۱۴۰۰ ریال سازمان حزب توده ایران در مشهد ۳۸۷۲۰ ریال

علاقتمندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کیمش وبه شماره ۳۳۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی پردازند.

نامه مردم
آنگاه مرکزی غرب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM	
No. 388	
7 December 1980	
Price:	
West-Germany	0.80 DM
France	2 Fr.
Austria	8 Sch.
England	20 P.
Belgium	10 Fr.
Italy	350 L.
U.S.A.	40 Cts
Sweden	1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرسی زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴ پستی تهران ۴۱/۳۵۵۱ منطقه

چرا «حاشیه نویسی» در دام ضدانقلاب می افتد و با ضدانقلاب علیه حزب توده ایران هم زبان می شود؟

ایران کرده است. اگر آنچه که «حاشیه نویسی» درباره کتاب مورد بحث و جلد آن گفته است، درست باشد، ما لازم میدانیم چند نکته زیر را تذکر دهیم:

۱- انتشار کتاب «ماتریالیسم دیالکتیک و ماتریالیسم تاریخی» در داخل جلد کتاب نظام حقوق زن در اسلام، اولاً نه بطور مستقیم و نه غیر مستقیم با حزب توده ایران هیچ ارتباطی ندارد و ما بنوبه خود يك چنین عمل سواکمی و ضدانقلابی را شایسته محکوم می کنیم. ما هم از مقامات دیپلماتیک خواستاریم که عامل این تقلب و جعل و تحریک ضدانقلابی را پیدا و به مردم معرفی و مجازات کنند.

۲- حزب توده ایران، هم نامش و هم انتشاراتش معروف ایران و جهانست و نیازی به چشم پنداری و شیادی ندارد. ما به استاد مبارز و شهید مطهری احترام می گذاریم، ولی اعتقاد راسخ داریم که همچنانکه کتابهای آن فاضل شهید و زنده یاد نیازی به «جلد توده ای» ندارد، انتشارات حزب توده ایران هم با کمال صراحت و چون افتاب با نام و نشان خود طلوع می کند و معرفی میشود و انتشار می یابد و نیازی به «دزدیدن» نام و شهرت و اعتبار دیگران ندارد.

۳- تذکر سوم، درباره آقای «حاشیه نویسی» است. ایشان که در يك روزنامه متعدد نویسنده می کنند، اصولاً می بایست همیشه از روی اصل «تمسبه» رفتار کنند، ولی متأسفانه، علیرغم برخی مطالب درستی که گاهی برشته تحریر درمی آورند، گاهی درست بمصداق نامشان، در «حاشیه» قرار می گیرند. در مقاله مورد بحث، از «حاشیه» هم فراتر رفته و درست در دام توطئه و تحریک افتاده اند که ساواکیها و «تربچه های پوک»، هدف خود قرار داده اند. منظور این تحریک همین است که آقای

«حاشیه نویسی» در دام افتاده و انجام داده اند، یعنی: گفتن فحش و ناسزا و توهین و اتهام و افترا علیه حزب توده ایران و بعد... تحریک حزب توده ایران به «جوابگوئی» و «معامله بمنزل» و غیره... یعنی ایجاد يك جنبه کاذب فحاشی و بهم تاختن، در میان يك روزنامه متعدد و يك حزب اصیل انقلابی... ولی ضدانقلاب و «تربچه های پوک» و ساواکیها کورخوانده اند. این «حاشیه نویسی» است که در اینگونه دامها می افتد، ولی ما هرگز در این دامها نخواهیم افتاد.

از آقای «حاشیه نویسی» سؤال می کنیم: روزنامه شما، روز پنجشنبه ۱۳ آذر ۱۳۵۹ به «جرم» يك اشتباه چاپی بسیار عادی و پیشاپا افتاده، که هم روزنامه ها بر از آنگونه اشتباهاتست، علیه ما با آن غیض و غضب و با آن همه ناسزا و توهین و افترا «اعلام جرم» کرده بود. حالا خود شما، که با علم و اطلاع و آگاهی و براساس تقلب و جعلو تحریک و پرونده سازی ضدانقلابیون این همه ناسزا و توهین و افترا علیه حزب ما قلمز کرده اید، وجدانتان چگونه حکم میکنند؟ آیا وجدانتان بشما «اعلام جرم» خواهد کرد؟ سؤال مهمتر ما اینست که به این چگونه اخلاقی است که به «کناه» يك اشتباه چاپی می توان علیه حزب توده ایران «اعلام جرم» کرد، ولی خودمی ایران بی پروا جملیات ضدانقلابیون را برای حزب توده ایران نوشت و بعد براساس همین جملیات دشمن - ساخته، همزمان با ضدانقلابیون سیلی از ریکت ترین دشمنها و سنگین ترین اتهامات را علیه قدیمی ترین و اصیل ترین حزب انقلابی کشور جاری کرد؟ حرف خود را تکرار می کنیم: ما در دام نمی افتیم! شما هم از دامها حذر کنید!

شوخی نیست...! بیچاره اصطلاحات!

بنده که لیبرال هستم، دیشب خواب دیدم... لیبرال هم میتواند خواب ببیند. اولش خواب خوشی بود، بعد در مغزم قاطی شد و بعد کابوس شد...

اولش خواب دیدم اعلیحضرت را در يك کاخ پرشکوهی در تالار پنهان و مجللی... مثل اینکه مرا احضار فرموده بودند و من برای شرفیابی بحضور مبارک رفته بودم. از دور که مرا دیدند، طرف من توجه فرمودند. من ایستادم و اعلیحضرت بمن نزدیک شدند. فرمودند: حال شما خوب است؟ عرض کردم: زیر سایه مبارک فرمودند: راست نمیگوئی، تو از ما شکایت کرده ای. چرا از ما به خود ما شکایت نمی کنی؟ من جواب ندادم. اعلیحضرت لبخندی زدند و فرمودند: تترسید، عیبی ندارد. ما به شکایت شما توجه کردیم. بگوئید شما چه میخواهید. ما میخواهیم جلوی این بلوا را بگیریم. من گفتم: اگر اجازه میفرمائید، عرض کنم. فرمودند: بگو. عرض کردم: قربان، ما آزادی میخواهیم. جان نثار صاحب سرمایه کوچکی هستم حدود ۴۰-۵۰ میلیون تومان، که افزایش سالانه آن خیلی کم است. ما را در معاملات پرسود راه نمیدهند. زیادند اشخاصی که حالا با خارجیا شریک شده اند و زیر سایه مبارک به سودهای صدمیلیونی هم قانع نیستند. قربان، بما ظلم میشود. ما آزادی میخواهیم. تقاضای جان نثار اینستکه دستوری شرف صدور پیدا کند، که فقط خائنین را دستگیر و مجازات کنند. این آخوندها، این توده ایها و از این قبیل که توطئه ها می چینند و مردم را تحریک میکنند... اعلیحضرت بمن خیره شدند... بعد با لبخندی فرمودند: میفهمم، شما سهم خودتان را میخواهید... من شما را خواسته ام تا معاون نخست وزیر بشوید... ما آزادی به شماها خواهیم داد... ما ساواک را مامور خواهیم کرد که همه خائنین را ریشه کن کنند... شما حتی میتوانید حزبی درست کنید که نقش اقلیت را در برابر اکثریت «رستخیز» بازی کند... بما گفته اند که اگر ما بتوانیم بلوا را خاموش کنیم و نظام شاهنشاهی ما محکمتر شود، ما حتی میتوانیم ولیعهد را بجای خود بنشانیم... طبق قانون اساسی... عرض کردم: بله قربان، بله قربان، این بنظر ما...

بعد تالار پنهان مجلل در مغزم قاطی شد... فرودگاه شد... اعلیحضرت خیلی اخمو بودند و حتی مثل اینکه گریه میکردند. هواپیمائی منتظر بود، اعلیحضرت با همه خداحافظی کردند... میرفتند سوار هواپیمای شوند، سوار شدند... باد تند برخواست... چاهی زیر پای من دهان باز کرد... من افتادم، معلق زدم، به ته چاه که رسیدم، از خواب پریدم و فریاد زدم.

از صدای فریاد من، همسرم از خواب پرید. گفت: چته. گفتم: هیچ، خواب دیدم که توی چاه افتادم، کابوس بود. گفت: خب، بگیر بخواب. اما خواب از سر من پریده بود. گفتم: عجب روزگاری است. گفت: چه شده؟ گفتم: چه میخواستی بشه. انقلابی شده که کاش نمیشد. این انقلاب همه چیز را خراب کرده و دارد خراب میکند. مسلمانهای پیدا شده اند که میگویند املاک مردم غصبی است و باید بین دهقانان تقسیم شود. هر روز از این باغ بری میرسد. میخواهند بازرگانی خارجی را ملی کنند. صرافی ها را برچیده اند. آزادی را دارند هم محدودتر میکنند. بیخود و بی جهت رابطه ایران را با آمریکا برای چند باصطلاح گروهان خراب کرده اند. هر کس توانست، آن روزهای اول انقلاب پول خودش را برداشت و رفت. آنهایی که ماندند، نمیدانند با پول خود چکار کنند. گیرم چند صباحی هم از گرانی سود ببرند. بعد چی؟ دارند کشور را بجای میبرند که فردا اگر هزارمیلیون هم پول داشته باشی، معامله ای نخواهی داشت. اگر ده ها خانه ده طبقه داشته باشی، ۹ تا را از تو بگیرند، پس آزادی کجا رفت؟ ما برای آزادی انقلاب کردیم، که کاش نمی کردیم.

همسرم گفت: حالا چرا تو خودت را کوك میکنی. فکرش را نکن. بگیر بخواب. گفتم: همه اش زیر سر این توده ای های خائن است. هزارتا اصطلاح مارکس انگلیسی... همسرم گفت: مارکس و انگلس... گفتم: فرق نمیکند... هزارتا اصطلاح توی دهنها انداختند... لیبرال، لیبرالیسم، بورژوازی لیبرال، سرمایه داری وابسته، بزرگ زمین داری، ضدانقلاب، امپریالیسم، تضاد، طبقه، کارگر، دهقان... هزار اصطلاح توی دهنها انداخته اند و همه کارها را خراب کرده اند. همسرم گفت: پس به نظر تو امپریالیسم نیست؟ سرمایه داری نیست؟ کارگر نیست؟ بین اینها دعوا نیست؟ گفتم: نه که نیست تازه اگر هم باشد، اگر این اصطلاحات توی دهن مردم نمی افتاد، خوب، ما میتوانستیم کارها را روبراه کنیم. گفت: پس بعقیده تو اگر به آب بگویند سنگ آب سفت میشود؟ اگر به تضاد بگویند تضاد و به طبقه بگویند طبقه، کار تو روبراه میشود؟... خیلی عصبانی شدم... گفتم: زنکه (هیچوقت بزمن توهین نکرده بودم)... گفتم: زنکه تو هم القاء ایدئولوژی شده ای. از اطلاق خواب خارج شدم، در را محکم بهم کوفتم و رفتم توی آشپزخانه، سیگاری روشن کردم: عجب روزگاری است. آدم دیگر توی خانه خودش هم آزاد... نیست... صدای همسرم بگوش میرسد که میگفت: مردك پاك دیوانه شده. بیچاره اصطلاحات، اصطلاحات چه گناهی دارند؟ کار تو از بیخ خراب شده...

برای مقابله با تجاوز نظامی امریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

اتحاد لهستان با کشورهای سوسیالیستی ضامن استقلال و تمامیت ارضی آنست

کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، خواستار وحدت و یکپارچگی مردم شد. کمیته مرکزی حزب در بیانیه ای اعلام کرد که کشور هنوز در يك بحران وخیم سیاسی درگیر است. کمیته مرکزی حزب تاکید کرد که افرادی در کشور هستند که آشکارا مقاصد ضدانقلابی خود را اعلام می کنند و لازم است این نقشه ها خنثی شود. در بیانیه اضافه شده است که زمان آن فرارسیده است که همه افراد مسئول در لهستان متحد شوند و از سیاست مشترک، عقل سلیم و مسئولیت بیروی کنند.

در بیانیه تاکید شده است که اتحاد لهستان با کشورهای سوسیالیستی خدشه ناپذیر بودن مرزها و استقلال آنرا تضمین میکند.

تجاوزات مائوئیستهای پکن به ویتنام قهرمان

بموجب گزارش خبرگزاری ویتنام، برتری طلبان پکن، در يك هفته گذشته به تجاوزات مسلحانه علیه ویتنام سوسیالیستی ادامه دادند. در اواخر نوامبر، يك ستون از نیروهای چینی در ایالت کائو-بانگ از مرز گذشت و بر روی دهقانانی که در مزارع کار میکردند، آتش گشود. در روز ۲۵ نوامبر، ناحیه سین مان، در ایالت هاتونگ زیر آتش چینی ها قرار گرفت. بر اثر این حملات، عده زیادی غیرنظامی کشته و مجروح شدند. از ۲۷ تا ۳۰ نوامبر، صدها هواپیمای نظامی چینی به حریم هوایی ویتنام تجاوز کردند.

این تحریکات با پاسخ دندان شکن مردم نواحی مرزی و نیروهای ویتنامی روبرو شد و متجاوزان چینی هر بار فرار را بر قرار ترجیح دادند.



توطئه نژاد پرستان آفریقای جنوبی علیه زیمبابوئه

رابرت موگابه، نخست وزیر زیمبابوئه، ضمن افساء سیاستهای تجاوزکرانه نژادپرستان آفریقای جنوبی علیه کشورهای همسایه گفت که رژیم آفریقای جنوبی، پنج هزار نفر از ضدانقلابیون و فراریان زیمبابوئه را برای خرابکاری در کشورهای مستقل همسایه آموزش میدهد.

موگابه، ضمن تاکید بر سیاستهای تجاوزکارانه آفریقای جنوبی گفت: «بعد از پیروزی خلق زیمبابوئه، نژادپرستان آفریقای جنوبی، آموزش خرابکاران و فراریان زیمبابوئه را آغاز کردند و قصد دارند خرابکاری و توطئه علیه کشورهای همسایه را شدت دهند.